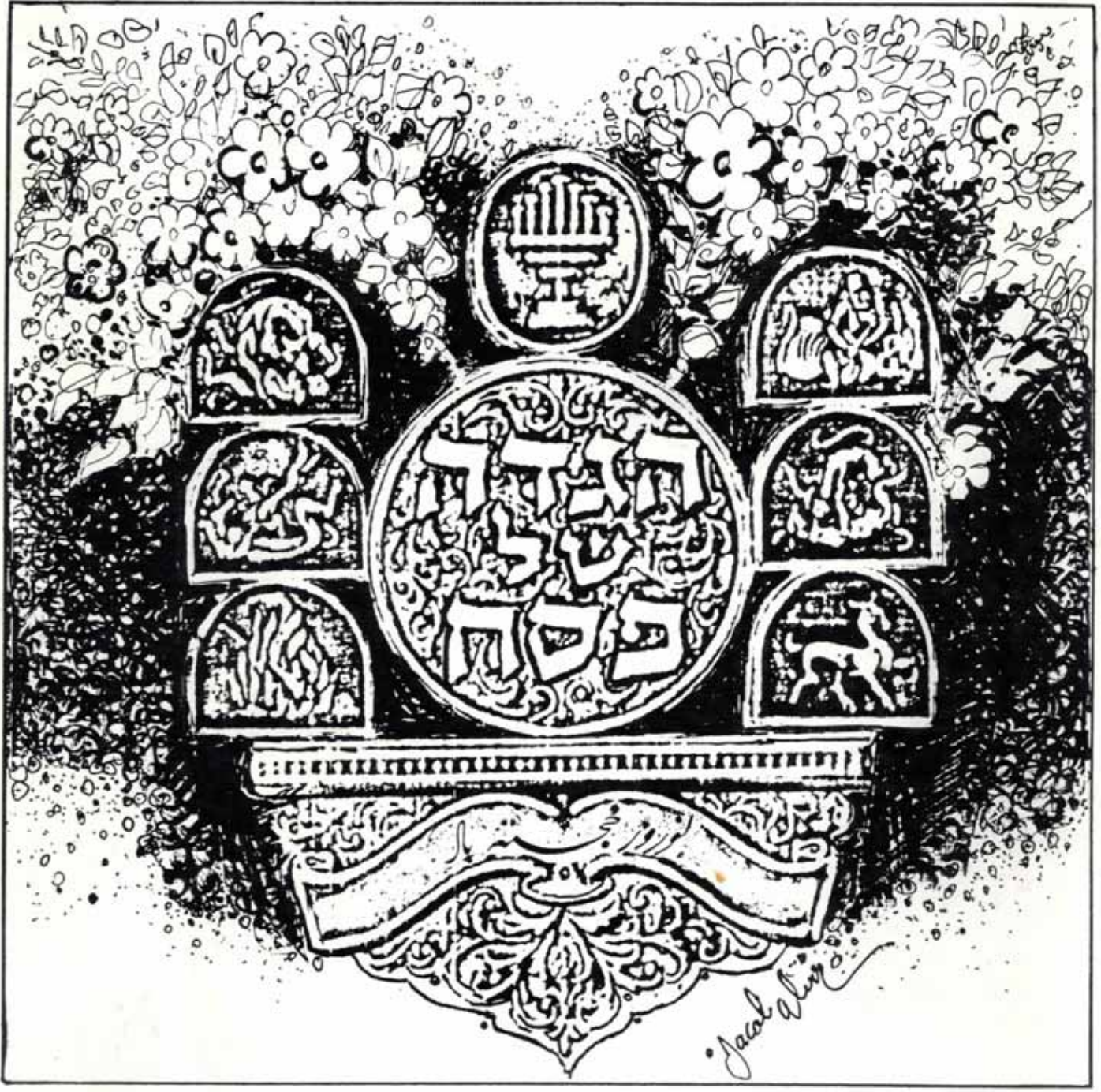


שופר  
شوفار  
SHOFAR

# فدراسیون یهودیان ایرانی

# Iranian Jewish Federation

نشریه شوفار - سال دوازدهم - شماره ۸۱ - نisan ۵۷۵۴ - آوریل ۱۹۹۴ - فروردین ۱۳۷۳



# CENTURY DISCOUNT PHARMACY

## حراج فوق العاده وبی سابقه در داروخانه های

# سنجری

عدهای سودجو با استفاده از شهرت و صداقت داروخانه سنجری خود را بجای آن معرفی می نمایند لطفاً داروخانه سنجری را که فقط در دو محل زیر فعالیت دارد بادیگران اشتباه نکنید



شربت تایلنول برای سرماخوردگی بچه ها ۲ اونس قیمت معمولی ۹/۸۰ قیمت حراج ۳/۹۹ دلار



تایلنول ام دو برابر قدرت ۱۵۰ تایی قیمت ۱/۳۰ حراج ۲/۹۹ دلار



قرص تایلنول دو برابر قدرت ۵۰۰ میلی گرم ۲۰۰ تایی قیمت ۱۵/۹۰ دلار قیمت حراج ۸/۹۹



Fast, effective relief of infants' fever and pain



قطره تایلنول اطفال ۳۰ میلی گرم ۸/۹۹ دلار قیمت حراج ۵/۹۹ دلار



تایلنول معمولی ۳۲۰ تایی قیمت ۳/۱۲ دلار قیمت حراج ۱/۹۹ دلار



شربت ایمودیوم ضد اسهال قیمت ۷/۸۰ دلار قیمت حراج ۲/۲۹ دلار



قرص تایلنول دو برابر قدرت ۵۰۰ میلی ۱۷۵ عددی قیمت معمولی ۱۵/۲۵ قیمت حراج داروخانه های سنجری ۸/۹۹ دلار



قرص مایلانتا ۸۰ میلی گرمی قیمت ۱۳/۳۲ دلار قیمت حراج ۷/۹۹ دلار



شربت مایلانتا ضد گاز و ضد اسیدی دو برابر قدرت ۲۲ اونس قیمت معمولی ۱۲/۲۵ قیمت حراج ۶/۹۹ دلار

## مرکز وسایل سلامتی و بهداشتی در منزل

شعبه بوری هیلسز	اولین داروخانه در لوس آنجلس	شعبه وست لوس آنجلس
۴۱۵ کرسنت درایو شمالی	که قیمت های فدکو - سیوان	۱۱۸۷۰ سانتا مونیگا بلوار
درمندیگال بیلدینگ روبروی	و ترفیفتی را می شکند	در شاپینگ سننر صورتی رنگ
سیتی هال بوری هیلسز		
تلفن: ۵۹۹۹-۲۴۶-۳۱۰		تلفن: ۱۵۶۸-۴۷۳-۳۱۰



فدراسیون یهودیان ایرانی



# شاوروت

## جشن گل ریزان را

از ساعت ۸ بعدازظهر یکشنبه ۱۵ می ۱۹۹۴

در هتل بوناونچور برگزار مینماید *Shavuot*

در این شب همه همکیشان ما چون یک خانواده بزرگ  
گرد هم میآیند

با شرکت هنرمندان صاحب نام

لیلا فروهر - گروه بلاک کتز

و برای اولین بار مارتیک

و با هنرمندی قاسم کلی مجری برنامه مولود زهتاب



### پذیرائی: کوکتل

برای تهیه بلیط لطفاً با تلفن های زیر تماس تماس بگیرید:

(۲۱۳) ۶۵۱-۰۶۲۰	البیس آقای سفارادی	(۲۱۳) ۶۵۵-۷۷۳۰	فدراسیون یهودیان ایرانی
(۲۱۳) ۷۴۸-۱۷۶۸	چلوکبابی مسعود- داننان	(۸۱۸) ۳۴۲-۳۴۲۰	خانم الباسیان - ولی
(۲۱۳) ۲۷۱-۸۱۹۱	نظریان	(۲۱۳) ۴۷۷-۲۲۵۵	خانم ناهید - وست وود
(۸۱۸) ۹۰۶-۳۶۶۶	خدمات بیمه اسحقیان	(۲۱۳) ۷۴۶-۸۰۴۱	ابی اسفندی - دان تاون
(۲۱۳) ۶۵۹-۵۱۴۷	ورلد آف ویدئوآدیو	(۲۱۳) ۹۳۴-۹۳۰۶	گلدن سبئی
(۳۱۰) ۶۵۹-۷۰۷۰	ایلات مارکت	(۲۱۳) ۴۸۹-۹۸۲۴	جوهری موندیال - کهن / داننان
(۲۱۳) ۸۵۱-۵۸۹۶	آقای آریانا	(۲۱۳) ۷۴۷-۸۰۰۵	لفعان سخانی

شرکت کتاب (۲۱۳) ۴۷۷-۷۴۷۷

## SHOFAR

IRANIAN JEWISH FEDERATION  
6505 Wilshire Blvd., Suite 811  
Los Angeles, CA 90048  
Tel: (213) 655-7730  
(213) 655-7731  
FAX: (213) 655-1221

نشریه شوفار - سال دوازدهم

شماره ۸۱ - نisan ۵۷۵۴

آوریل ۱۹۹۴ - فروردین ۱۳۷۳

• شوفار برسیله فدراسیون یهودیان ایرانی که سازمانی است غیرانتفاعی منتشر می شود.  
هدف ما اعتلای فرهنگ یهود، حفظ ریزرگداشت ارزشهای قوم و اخلاقی یهودیت و توسعه فرهنگ ایران زمین درمیان یهودیان ایرانی خارج از کشور است.

زیر نظر شورای نویسندگان:

دکتر سلیمان آقائی - مدیر مسئول

صیون ابراهیمی - سردبیر

الیاس اسحاقیان - مدیر داخلی

دکتر هوشنگ ابرامی - شکره درویش

نینا استوا - فرزانه طالعی

گیتی بروخیم - سام کرمانیان

دکتر یاروخ بروخیم - گیتا کروبیان

نوراله خرازی - دکتر فریدون نصرتی

ابراهیم ویکتوری

طرح ها از: مهندس جیکوب عبیر

خبرنگار عکاس: منصور پور اتحاد

• نویسندگان و علاقمندی که نوشته هایشان در این نشریه به چاپ میرسد همگی لقم خود را برایگان در اعتبارشما گذاشته اند.

• مقالاتی که با ذکر نام نویسنده و یا منبع خبری چاپ می شود در محدوده مسئولیت خود نویسنده و آن منبع خبری است.

• نقل و اقتباس مطالب شوفار با ذکر ماخذ آزاد است.

بهای درج يك نويت آگهی

تمام صفحه ( داخل ) ۲۵۰ دلار

نصف صفحه ۱۵۰ دلار

يك سوم صفحه ۱۲۰ دلار

تلفن درج آگهی ۷۷۲۰ - ۶۵۵ ( ۲۱۳ )

موعد پسخ و نوروز - تقریباً با هم و همزمان میرسند. هر دو با گنجینه ای از ارزشهای والا و باستانی. اولی حماسه ای است دینی و به غایت انسانی. حماسه رها نیدن ملتی رنج دیده و زیر ستم از قید بندگی یک امپراطوری بزرگ و ددمنش به همت یک انسان عادی - والا پیامبر، موسی، با پشتوانه ایمان به حقانیت مردم خود و یاری پروردگاری که او را به این رسالت برگزیده بود - و دومی جشن گذر از سردی تلخ زمستان و راه یافتن به شکوفه باران بهاری است.

و ما هر سال، در این زمان، دوره میکنیم برای باری دیگر این هر دو رویداد را و به تفکر می نشینیم و بررسی اینکه بر ما و بر جهان اطراف ما در طی سالی ک پشت سر گذاشته ایم چه گذشته است. نگاه میکنیم به سال ۱۳۷۲ - سالی که بزرگترین رویداد آن به اعتقاد ما پدیدار شدن راهی برای آشتی میان اسرائیل و فلسطینی ها و به بیانی دیگر یهودیان با اعراب بوده است. مردمی با ریشه های مشترک و آرمانهایی همانند که سالیان دراز در دایره منحوس خشم و نفرت و انتقامجویی و خونریزی گرفتار آمده بودند و اکنون دوستی را صلا میدهند و به مهریانی لبیک میگویند و دست یکدیگر را می فشارند.

دست یکدیگر را می فشارند، اما هنوز هم با هزاران تردید، تردیدی که ریشه در خشم و عدم اعتمادی به درازای هزاران سال تاریخ دارد و آنانکه از این میان هنوز هم بار این دشمنی را یدک می کشند هراز چندگاه بشکل آدمکشانی، اینجا و آنجا رخ می کنند و بیهوده خون انسانهای بی گناه را بزمین میریزند. از تروریست های عضو فرقه حماس گرفته که در روز روشن با دشنه شکم زن حامله یهودی را سفره می کنند و مردم کوچه و خیابان را به مسلسل می بندند تا کسیکه گروهی نماز گزار را می کشد. اینها همه نشان از یک بی اعتمادی گریزناپذیر میان این دو قوم، دو عموزاده دور افتاده از هم و خشمگین با یکدیگر دارد که تنها با دانائی و شکیبائی رهبران این دو قوم و دوری نمودن از هرگونه برخورد به دور از منطق و عقل سلیم، میتوان آنرا از میان برداشت.

و برای ما ایرانیان غربت نشین، باز هم عید نوروز دیگری بدور از وطن میگذرد و یاد همه خوبیها و زیبایی ها و مهریانی هائی که در آنسوی دریاها دور از دسترس مانده و مردم سرزمینمان که با مشکلات بسیار پنجه در افکنده اند.

همانسان که هر سال پسخ و نوروز را گرامی میداریم، یاد میهنمان را نیز هر روز دوره کنیم و آرزو کنیم که در سالی که در پیش است، همانسان که موسی با نیروی پروردگار بر فرعون غلبه کرد، همه پلیدی ها و پدیده های اهریمنی از زمین رخت برینند.

کارنامه سلامتی خود را سالانه

از دکتر

مهناز طبیب زاده

دریافت

دارید



کنترل وزن



زنان



تصادفات



عمومی



ازدواج

نوار قلب

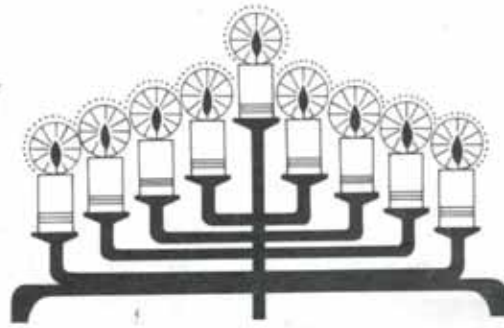
رایگان

در صورت انجام چک آپ کامل

16661 Ventura Blvd., Suite 211  
Encino, CA 91436  
(818) 789-7893



چک آپ



## یادبود فیض اله مخوبات

رهبان سازمانهای یهودی امریکا، فدراسیون یهودیان امریکا در لوس آنجلس پیام آقای ایگل، رئیس کمیته مجلس نمایندگان خارجی قرائت گردید. آنگاه دکتر سلیمان آقائی رئیس فدراسیون یهودیان ایرانی ضمن عرض تسلیت بخانواده فیض اله مخوبات اظهار داشت اعدام مخوبات توسط عوامل جمهوری اسلامی بسیار موجب تأسف و اندوه است و فدراسیون به شدت به آن اعتراض مینماید.

دکتر آقائی اضافه نمود: «شاید بسیاری بر من خرده بگیرند که چرا من عوامل جمهوری اسلامی را عامل این جنایت میدانم زیرا من نمی خواهم باور کنم که یک ایرانی پاک نهاد چنین ناجوانمردانه دست خود را به خون یکی از هموطنان خود آغشته نماید. حتی من می خواهم بر این اعتقاد باشم که دولتمردان جمهوری اسلامی نیز از عواقب این امر بدرستی آگاهی نداشته اند. من بر این باورم که عوامل تندرو و رادیکالی در بطن جمهوری اسلامی وجود دارند که هر چند گاه بقتل و غارت هموطنان خود می پردازند، که مرد ۷۸ ساله ای را آماج خون آشامی خود قرار دادند. میگویند که اتهام فیض اله مخوبات جاسوسی برای دولت اسرائیل و وابستگی به صهیونیسم بوده است. واقعا اگر این آقایان دلائل مکفی برای این کار در

همانطور که خوانندگان ارجمند شوفار اطلاع دارند در روز جمعه ۲۵ فوریه ۱۹۹۴ فیض اله مخوبات سالمند بیگناهی که در حدود سه سال در زندانهای تهران بسر میبرد بدست عوامل جمهوری اسلامی اعدام شد. اعدام مخوبات موجب اعتراض و خشم بسیاری از جوامع در سراسر جهان گردید. بهمین مناسبت در روز یک شنبه ۱۳ مارچ ۱۹۹۴ مجلس یادبودی به خاطر گرامی داشت این انسان بیگناه از طرف فدراسیون یهودیان ایرانی در سالن ساینای تمپل برگزار گردید. سالن ساینای تمپل مملو از بسیاری از هموطنان ما بود که بدون توجه به نژاد مذهب گرد هم آمده بودند تا به این آدمکشی اعتراض کنند.

ابتدا ریای شرانتر راو ارشد ساینای تمپل سخن گفت و اعلام نمود که جامعه یهودیان امریکائی ضمن محکوم نمودن این جنایت از دولت امریکا می خواهد که از طریق جوامع بین المللی به این امر رسیدگی نماید.

سپس خاتم تری بل رئیس فدراسیون یهودیان امریکائی لوس آنجلس اعتراض جامعه یهودیان لوس آنجلس را اعلام داشت. آنگاه پیامهای رسیده از وزارت امور خارجه امریکا، فرماندار کالیفرنیا، شورای

زیسته است. در طول این مدت دراز حتی یک مورد را نمی بینم که یک فرد یهودی کوچکترین جنایتی نسبت به مصالح و منافع ایران انجام داده باشد. در آن هنگام که ابرهای تیره و تاری که سرزمین مادری ما را فرا گرفته است بر طرف شود و آن هنگام که آفتاب از هر دریچه تافت یاد مخوبات، شهید بیگناهی که بخاک و خون غلطید برای همیشه در خاطرة ما گرامی و جاودان خواهد ماند.»

سپس استاد ارجمند راو داوید شوفط از یابود فیض اله مخوبات تجلیل نمود و آنگاه دعای آمرزش رفته گان «هشگابا» از طرف حاخام یدیدیا شوفط خوانده شد.

دست داشتند چرا او را از ابتدائی ترین حقوق بشری یعنی داشتن یک وکیل در دادگاه محروم ساختند و چرا او را علناً محاکمه نمودند تا سیه روی شود هر که در او غش باشد».

اما این آقایان یک چیز را فراموش کرده اند که اگر هامانها و هیتلرها توانسته اند از نتیجه یهودی کشی های خود در امان باشند این آقایان نیز از عواقب قتل مخوبات و ده ها تن از سایر همکیشان ما که در بدو انقلاب کشته شدند در امان نخواهند بود.

ملت ما در طول بیش از سه هزار سال اقامت در سرزمین ایران همیشه وفادارترین، معتقدترین و صمیمی ترین افرادی بوده است که در این آب و خاک



## گیتا کروبیان

وکیل رسمی دادگستری امریکا

GUITTA KARUBIAN  
ATTORNEY AT LAW

**(310) 858-6464**

\* Attorney at Law

\* Real Estate Broker

صددرصد برنده بودن در تمام دعاوی، با بیش از ۱۹ سال سابقه و تخصص در

املاک \* مهاجرت \* امور تجاری

**با توجه شخصی به هر مورد**

## Dr. Esagoff

## داروخانه هپس

### دکتر اشرا سحق اف دربورلی هیلز

آدرس: ۲۳۳ لاسینگای جنوبی  
چند قدم پائین تر از ویلشر بلوار

HEPPS PHARMACY  
233 S. La Cienega Blvd.  
Beverly Hills, CA 90211  
(½ Block South of Wilshire Blvd.)  
(310) 652-0550

- قبول اکثر بیمه های درمانی و مدیکال
- تحویل دارو و سفارشات بطور رایگان در نزدیکی داروخانه
- لوازم بهداشتی و آرایشی

Law Offices of  
**STANLEY C. FRANKLIN**  
A Professional Law Corporation

**استتلی فرانکلین**

با سابقه ترین وکیل شناخته شده در جامعه ایران کالیفرنیا  
با همکاری

**پری فرانکلین**



(818)

۲۴ ساعته

**901-0344**

وکیل متخصص در امور

**تصادفات اتومبیل**

**| با پرداخت کمترین حق الوکاله |**

5900 Sepulveda Blvd., Suite 340 Van Nuys, CA 91411



ترجمه: صیون ابراهیمی

## ایران

عوامل تصمیم گیرنده در سیاست منطقه ای

تحولات منطقه و اثرات آن بر اوضاع ایران

متن سخنرانی پرفسور دیوید منشری  
در تاریخ ۵ فوریه ۱۹۹۴ در سالن ساینای تمپل  
بدعوت فدراسیون یهودیان ایرانی



از چپ به راست: پرفسور دیوید منشری - دکتر سلیمان آقائی - خانم روزالین لوری  
پرفسور آشر ساسر و پرفسور مارتین کریر. صیون ابراهیمی هنگام معرفی سخنرانان

هدف آن نیز فقط ایران نبود - بلکه رسالتی بود که می بایست بخود جامعه عمل ببوشد که نقطه آغاز آن ایران بود و نهایتاً برگرداندن دنیای اسلام به دوران درخشان آغازین آن بود. در بطن این رسالت این

انقلاب ایران باعث ایجاد اولین جمهوری اسلامی در خاورمیانه گردید. برای رهبران انقلابی، «انقلاب اسلامی» تنها یک نام برای یک جنبش نبود و

خواسته بود که بر مسائل فزاینده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دیگر مسائلی که رویاروی مردم بود غلبه گردد، یک نظام اسلامی ایجاد گردد و بالاخره ایران به یک حکومت نمونه اسلامی تبدیل شود تا سرمشق کلیه ممالک اسلامی قرار گیرد. باین ترتیب که انقلاب به تمام جنبه های زندگی مردم تسری داده شود تا حکومتی اسلامی با تمام دستورات مکتبی آن مستقر گردد.

در پانزده سال اولی که روحانیون قدرت را در دست داشتند، تمرکز آنان بر دو هدف مربوط به یکدیگر بود که عبارت بودند از ۱ - هماهنگ کردن، سازمان دهی و حفظ و حراست حکومت خود و ۲ - استقرار ایدئولوژی خود که موجب پیشرفت کشور شده و بنوبه خود باعث اثبات حقانیت و استحکام نظام جدید میگردد. بآمال، در دست گرفتن و استحکام بخشیدن به قدرت خیلی آسان تر از آن بدست آمد که انتظار میرفت و اکنون هدف این بود که اسلام محملی باشد برای پیشرفت و استقرار حکومتی مردمی.

من حیث المجموع سمت و سوی هر انقلاب متوجه آزاد اندیشی و نیز دخالت های گاه بگاه تندروهاست. در پهنه انقلاب ایران و پیامدهای آن، هر چند شخصیت ها و مسائل و وابستگی های بومی تغییر یافته، شکل کلی انقلاب پلاتغییر باقی مانده است. سیاست جاری نشانه هائی از تضاد بدست میدهد. درحالیکه اینجا و آنجا نشانه هائی از آزاد اندیشی مشاهده میشود، همزمان علائم بنیاد گرایی خودی نشان میدهد. شاید یکی از دلایل ظهور این پدیده های متعارض مشکلاتی است ناشی از لزوم هماهنگ شدن با تغییرات عمده ای که ایران و منطقه در سال گذشته تجربه کرده است. تغییراتی که دست بدست هم داده و بصورت پدیده هائی از واقعیت رویاروی ایران قرار گرفته است - واقعیت هائی که هر چند متضمن فرصت هائی ارزنده برای ایران بود، ولی سرشار از مسائل و گرفتاریهای خاص خود نیز بود. هدف این مقاله تفحص در عوامل تعیین کننده منافع ایران و پیش بینی و دریافتن موضع سیاسی و نیز واکنش ایران در قبال این عوامل است.

تغییراتی که در منطقه بوقوع پیوست چه بود و اثر آن بر روند سیاسی ایران چه بود؟

اول فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بوجود آمدن شش جمهوری مستقل اسلامی در مرزهای شمالی ایران. در حقیقت این فروپاشی باعث کاهش این خطر بود که اتحاد شوروی همیشه برای اشاعه نفوذ و پیشبرد مواضع ایدئولوژیک فرهنگی، منافع اقتصادی و سوق الجیشی خود در ایران میکوشید. از دیدگاه دولتمردان ایران، خلا، سیاسی حاصل از برافتادن جنگ سرد، با کوشش دنیای اسلام و جهان سوم قابل پر شدن است و برای دستیابی باین منظور، ایران خود را درمقام رهبری این رسالت می بیند. آیت اله خمینی که پیش بینی میکرد فروپاشی شوروی، سقوط غرب را نیز بدنبال خواهد داشت چنین اظهار نظر کرد: «در مبارزه میان اسلام و استکبار جهانی، غرب نیز بزودی بزانو خواهد آمد».

رفسنجائی پیش بینی کرد که پس از نابودی شوروی، یکی از ستونهای قدرتهای جهانی «شکست خورده» و امریکا خواهد کوشید که این خلا، را پر کند. این دو برداشت هر چند هر یک تعبیری متفاوت بود، لیکن نتیجه گیری مشابهی داشت و آن اینکه ایران باید رهبری مسلمانان کشورهای غیر متعهد و منطقه جنوب را بدست گرفته خلا، موجود را پر کند فروپاشی شوروی که باعث فروافتادن «پرده آهنین ممالک اسلامی» در شوروی گردید به ایران این فرصت را میداد تا نفوذ خود را در این ممالک مستقر کرده آنرا توسعه دهد - نفوذ اسلامی، اقتصادی، فرهنگی و استراتژیکی. جمهوری اسلامی کاملاً از انقلابی بودن این تحولات آگاهی داشت و نیز بر اثرات و اشکالات آن واقف بود.

با آزاد شدن جمهوریهای اسلامی شوروی سابق، نزدیک به ۶۰ میلیون نفر دیگر به جمعیت خاورمیانه افزوده شده و نسبت های قومی کاملاً بهم خورده است - باین معنی که به درصد جمعیت غیر عرب افزوده شده است - موضوعی که دولتمردان جمهوری اسلامی مرتباً بر آن تکیه میکنند. معهذاً کوشش ایران



جمعیت حاضر در سالن ساینای تمپل هنگام سخنرانی پرفسور دیوید منشری

را با ایران توسعه و تحکیم می بخشد. علاوه بر این، موارد زیر از نظر ایران حائز اهمیت بود: ثبات ممالک شمالی و جلوگیری از انتقال جمعیت این ممالک به ایران و نیز تحکیم مبانی دوستی با رهبران این جمهوریها ( که براساس تزه‌های جداگانه ایکه داشتند، هیچ یک از آن ممالک را نمی شد اسلامی نامید)، جلوگیری از نفوذ ممالک متخاصم با ایران، صدور انقلاب ایران باین کشورها و بالاخره رهبری ممالک اسلامی در منطقه.

**جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ که باعث تضعیف عراق و ازدیاد مخالفت همسایگانش با این کشور گردید، بار دیگر باعث تحریک برتری طلبی ایران برای دستیابی به قدرت در خلیج فارس گردید.** موضع قاطعانه ایران درمورد خلیج فارس، خرید بیش از حد اسلحه و تندرویهای این کشور نشان دهنده این هدف بود. هر چند این جاه طلبی ایران تازگی نداشت، معهذاً در چنین شرایطی حکومت تهران باین نتیجه رسیده بود که اوضاع برای جامه عمل پوشاندن باین

برای گسترش منطقه نفوذ خود در جمهوریهای آسیای میانه با مقاومت قدرتهای دیگری که براین جمهوریها نظر دارند روبرو گردید. مزید بر همه مطالب فوق، تغییرات مزبور میتواند باعث عدم ثبات سیاسی و استقرار نفوذ قدرتهای متخاصم در این ممالک گردد که بالمال میتواندست بر تمامیت ارضی ایران از دیدگاه مرزهای قومی اثر گذار باشد.

در تعیین خط مشی خود در این خصوص ایران دچار مسئله خاصی بود. منافع ملی ایران در رویارویی با ایدئولوژی انقلاب، مانند بسیاری از موارد دیگر که ایران با این اشکال روبرو شده بود، با گذشت زمان معلوم گردید که برد با لزوم در نظر گرفتن منافع مملکتی بوده ولی در عین حال نفوذ انقلاب موضع خود را از دست نداده است. در حقیقت ایران در این خصوص موضعی واقع گرایانه و ملی اتخاذ نمود باین ترتیب که نهایت احتیاط را مراعات نمود تا این موضوع باعث برخورد یا لطمه زدن به روابط دوستانه اش با روسیه نشود - کشوری که هنوز هم تامین کننده اساسی اسلحه ایران بوده و مرتباً روابط اقتصادی خود

خواسته کاملاً مساعد است. و از آنجا که معلوم نبود که وضع موجود تا چه زمان دوام خواهد آورد، ایران تصمیم گرفت که با قرار دادن منطقه در مقابل وضعی انجام شده پیش از آنکه اوضاع بحال عادی باز گردد، هدف خود را عملی سازد. اشغال «ابوموسی» یکی از نمونه های این اقدام بود.

**جریان صلح اعراب و اسرائیل و بویژه شرکت سوریه در این کوششها باعث گردید که تهران رهبر بلامنازع اسلامی ضد اسرائیل گردد.** با توجه باینکه آرمان فلسطین یکی از رئوس مبارزات انقلابی ایران اعلام شده بود، ایران هم از روی میل و هم از دیدگاه تعهد ایدئولوژیک، رهبری این جرگه را بعهده گرفت. تعهدی که راهگشائی بود برای رهبری جهان اسلام. اکنون که سوریه با اسرائیل به مذاکره می پرداخت، تهران نیاز به متحدانی تازه و زمینه های اعمال نفوذ تازه داشت.

علاوه براین احتمال انعقاد یک قرار داد میان سوریه و اسرائیل احتمالاً باعث محدودیت قدرت کنترل ایران در جنوب لبنان میگردید که این امر به نوبه خود میتواندست باعث برخورد میان ایران و سوریه گردد. (هر چند این امر الزاماً باعث گسستن اتحاد کشور نمیگردید). تحکیم رابطه با سایر جنبش های تندرو (از قبیل حماس، جهاد اسلامی و حزب اله) در هر شرایطی ضروری بود - بخصوص زمانی که مذاکرات صلح در حال پیشرفت بود.

این ضرورت، پس از پیروزی عمده مذاکرات صلح میان اسرائیل و فلسطینیان در سپتامبر ۱۹۹۳ بیش از پیش مشهود گردید و همزمان ایران از لحاظ سیاسی منزوی تر شد. در چنین شرایطی، دستیابی ایران به رهبری جهان اسلام نیاز به پشتیبانی فعالانه بیشتری داشت و این امر بنوبه خود میتواندست باعث تنش میان ایران و همسایگانش گردد و بالمال این حرکت برای ایران بسیار گران تمام شود. علاوه براین هر گونه برخوردی میان حماس و سازمان آزادی فلسطین، یا بین حزب اله و نیروهای لبنان میتواندست باعث درگیری ایران در این برخوردها گردد. با توجه به کلیه این ارزیابی ها، باز چنین بنظر میرسد که ایران نفع خود را

در این میدید که بدون دغدغه رهبری نهضت ضد صلح را بعهده بگیرد.

**رشد فزاینده بنیاد گرایی اسلامی نیز پشتیبانی و رهبری ایران را طلب می کند.** از آنجا که ایران خود را هسته اصلی انقلاب اسلامی می شناسد، برای خود این تعهد را بوجود آورده که رهبری، تحرک و پشتیبانی آنرا نیز بعهده بگیرد که این خود باعث ازدیاد نفوذ ایران در منطقه و تسهیل صدور انقلاب اسلامی و در نتیجه امکان دستیابی به مقام رهبری جهان اسلام میگردد. در حقیقت حکومت ایران موفقیت خود را مدیون انقلاب خود میداند. انقلابی که نشانه گسترش ایدئولوژی، نفوذ و برتری آن در جهان اسلام و منیع الهام و اعتماد به نفس در رویارویی با مشکلات داخلی این کشور است.

ایران اخیراً روابط خود را با جنبش های اسلامی تقویت نموده و حکومتهایی که با این نهضت ها در مبارزه اند باین نتیجه رسیده اند که با ایران نیز درنبرد هستند. مصر یکی از بارزترین این نمونه هاست.

واقعیت های فوق باعث ایجاد تغییراتی در وضع جغرافیائی - استراتژیک منطقه گردیده که بنوبه خود باعث ایجاد امکانات مساعد ولی در عین حال پر مخاطره برای ایران گردیده است. این عوامل، دست در دست هم، موجب گردید که ایران منافع سیاسی خود را تجدید ارزیابی نموده در سیاست منطقه رل جدی تری بعهده بگیرد با این هدف که در خلیج فارس ایجاد هماهنگی نموده، نفوذ خود را در آسیای مرکزی و بویژه در خاور میانه گسترش داده و بالاخره رهبری دنیای اسلام را بدست گیرد. هر چند ایران بدوای به شرق و غرب مرزهای خود (ژاپن، چین و هند) چشم داشت، اکنون تمرکز خود را بر شمال شرق یعنی جمهوریهای شوروی سابق و جنوب شرقی یعنی خلیج فارس قرار داده است. اما تز انقلابی و جاه طلبی این حکومت، آنرا وادار میسازد که حضور انقلابی خود را در سرتاسر جهان نادیده نگیرد نشریه «همشهری» چاپ تهران نوشت: «با سقوط شوروی، ایران وارد دومین مرحله از سیاست خارجی بعد از انقلاب خود میگردد».

این دوگانگی سیاسی اخیراً از سوی جناحهای مختلف مورد انتقاد شدید قرار گرفته. گروهی معقول بودن دنبال کردن یک روش سرسختانه انقلابی را مورد پرسش قرار میدهند و گروهی دیگر عدول دولت را از راه و روش رسالتهای انقلاب سرزنش میکنند و هر دو جناح حکومت را متهم به عدم آگاهی از نفس انقلابی تحولات منطقه و عدم بهره برداری از این وضع برای منافع انقلابی ایران میدانند. گروه اول براین عقیده اند که اکنون که چهار سال از سقوط شوروی میگذرد، هنوز سیاست خارجی ایران برای پاسخگویی به شرایط و نیازهای نوین حاصل از این تغییرات تعدیل نگردیده است. در عوض تنها اقداماتی با احتیاط زیاد بمنظور جلب آئی بعضی از عوامل داخلی این کشورها انجام گرفته که باعث تحریک رقیبان ایران برای وارد شدن باین معرکه و دستیابی به اهداف خود گردیده است. همزمان، گروه دوم براین عقیده اند که مسئله اصلی، نبودن یک تحلیل صحیح از وضع منطقه بوده و بر نیاز داشتن یک روش فعالانه سیاسی پا می فشارند.

اثر مشترک این تحولات نه فقط باعث ایجاد یک روش سیاسی روشن و تثبیت شده در ایران نگردید. بلکه سیاست ایران در حالت دوگانگی و تضاد باقی مانده - ترکیبی از واقع گرایی عملی متأثر از توجه به منافع ملی و بنیادگرایی ناشی از ایدئولوژی انقلابی. این امر تحلیل اینکه ارجحیت های ایران در امر سیاست چه میباشد را مشکل میسازد و گونگی دولتمردان ایران خود نیز با این مشکل روبرو هستند. با توجه باین موضوع، نشریه جهان اسلام اخیراً نوشت: «سیاست منطقه ای ما را پرده ای از ابهام پوشانده بصورتی که تصویر و تصور آن غیرممکن است». و نشریه «ایران تایمز» نوشت: «در این دنیائی که زیرورو شده معلوم نیست که آیا سیاست جهانی ایران نیز دستخوش تغییرات عمده ای خواهد شد یا نه؟ بنظر میرسد که ایران اخیراً تغییرات عمده ای در روشهای سیاسی خود ایجاد نموده است - شاید با این هدف که همه را راضی نگهدارد - برای تندروهای اسلامی، تندرو و انقلابی باقی بماند و برای اروپائیان و کشورهای آسیائی که با آنان روابط اقتصادی دارد، معقول و میانه رو».

## صیون ابراهیمی

مشاور امور مالی، مالیاتی

و وام های بانکی برای کسب و امور بازرگانی

*Sion Ebrahimi*  
Financial Consultant

12100 Wilshire Boulevard, Suite 635  
Los Angeles, CA 90025

Tel: (310) 447-5500  
Fax: (310) 447-5502

J. A. JACOB ABIR, ASID  
 ARCHITECTURAL INTERIOR DESIGNER  
 10717 Wilshire Boulevard, Suite 203  
 Los Angeles, California 90024  
 [310]470-9228

مهندس عبیر استاد دانشکده معماری  
 دانشگاه ملی

طرح و نظارت:  
 ساختمان های اداری، فروشگاه، رستوران، هتل،  
 منازل و محوطه سازی



EXTERIOR RENOVATION. 1618 ST. PHILADELPHIA.  
 SOUTH VIEW.  
 SCALE 1/4" = 1'-0"



کلاس های  
 نقش و معماری داخلی  
 تلفن: (۳۱۰) ۴۷۰-۹۲۲۸

253 SQ FT ROOM  
 1ST & 2ND FLOOR  
 SCALE PLAN 1/4" = 1'-0"

# خبرهائی از جهان یهود

## جاسوس شوروی

بر اساس اسناد محرمانه ای که اکنون بعد از بیست سال منتشر شده، شلمو بن یهودا در فاصله سالهای ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۱ برای شوروی جاسوسی میکرده. نامبرده که مهندس بهداشت است و به اطلاعات محرمانه نظامی اسرائیل دسترسی داشته، جزئیات موقعیت رادارها و موشک های اسرائیلی و تاسیسات زیرزمینی و نقشه های نظامی برای حمله به ممالک عربی را در اختیار مقامات شوروی قرار میداده است. براساس اسناد محرمانه دادگاه عالی اسرائیل که بتازگی منتشر شده، پس از دستگیری، شلمو بن یهودا به دوازده سال زندان محکوم شده است.



## خوشبین ترین ملل دنیا

براساس پژوهشی که مجله فرانسوی گلوب انجام داده، میان مردم ممالکی که معتقدند سال ۱۹۹۴ سال بهتری نسبت به ۱۹۹۳ برای مردم جهان خواهد بود، مردم چین مقام اول را دارند و سپس مردم اسرائیل با ۶۷ درصد جمعیت کل کشور از لحاظ خوشبینی مقام دوم را دارد. پس از این دو کشور، ممالک مجارستان، پرتغال، بلژیک، ترکیه و اوکراین قرار دارند.

## کمک به فلسطینیان

بنا به گزارش روزنامه هآرتص، بمنظور پشتیبانی از نزدیک به ۲۰۰۰ فلسطینی که با دولت اسرائیل همکاری نزدیک داشته اند، اسحق رابین نخست وزیر اسرائیل طرحی را پذیرفت تا وجوهی از طریق سازمان «شین بت» سازمان اطلاعات اسرائیل برای کمک به این گروه تخصیص داده شود.

## نیایش برای صلح

بنا به دعوت تعدادی از رهبران مذهبی اسرائیل، در ماه ژانویه گذشته هزاران نفر یهودی در مقابل دیوار ندبه، برای پایان یافتن خشونت و آدم کشی در اسرائیل، به نیایش پرداختند. جمعیت حاضر در این نیایش بزرگترین تعدادی بود که تاکنون در مقابل این مکان مقدس گرد آمده بود.

## کشف گنج

باستانشناسان در زیر آبهای ساحل دریای مدیترانه در نزدیکی حیفا در عمق چندین متری زمین به صندوقی حاوی بیش از ۴۰۰۰ سکه باستانی دست یافته اند. این جمعی ۴۰ کیلوگرمی یکی از بزرگترین و قیمتی ترین گنج های زیر دریایی است که تاکنون کشف شده است.



### نقشه کشتن نخست وزیر اسرائیل

سازمان آزادی فلسطین اعلام داشت که یکی از مقامات بالای این سازمان، عدنان یاسین، برای دولت اسرائیل جاسوسی میکرده و نقشه قتل اسحق شامیر نخست وزیر پیشین اسرائیل را از سوی این سازمان به مقامات اسرائیلی اطلاع داده است.

ترور مزبور بنا بود در سال ۱۹۹۲ توسط یک اسرائیلی ۴۶ ساله بنام رافائل اوراهام انجام گیرد. نامبرده پس از گرفتن دستورات خود از ستاد فرماندهی سازمان فلسطین هنگام بازگشت از تونس در فرودگاه بن گورین دستگیر گردید.

### حمله طرفداران راو کاهانا

رابرت فریدمن یکی از نویسندگان مجله معروف «نیویورکر» کتابی در انتقاد از راو کاهانا نوشته که با واکنش شدید طرفداران این راو تندرو روبرو شده است. این نویسنده، چندی قبل هنگامی که به خانه بنیامین کاهانا فرزند راو مقتول میرفت تا با او مصاحبه ای درباره پدرش انجام دهد، مورد حمله تعدادی از اعضای نهضت «کاهانا - های» قرار گرفت و بشدت از آنان کتک خورد. هر چند فریدمن در این خصوص به پلیس اسرائیل شکایت نمود، ولی از این بابت بازداشتی انجام نگرفت.

### اشعه رادیو اکتیو چرنوبیل در اسرائیل

براساس تحقیقاتی که دانشمندان اسرائیلی بعمل آورده اند، میزان اشعه ایکه در اثر انفجار در نیروگاه اتمی چرنوبیل در سال ۱۹۸۶ ایجاد شده و به اسرائیل نیز رسیده، بمراتب بیشتر از آنست که قبلاً تصور میرفته و این امر که آیا این اشعه تا چه حد زیانبار است هنوز معلوم نیست.

پژوهشگران وزارت محیط زیست در اسرائیل با بررسی نمونه خاک قسمت های مختلف این کشور، اعلام داشته اند که این اشعه هنوز در خاک اسرائیل وجود دارد و اثر آن حتی در قارچهای جنگلی نیز دیده شده است.

### جمع آوری آثار یهودی

در فاصله سالهای ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴ یک یهودی روسی بنام آنسکی با پشتکار شدید به جمع آوری آثار یهودی پراکنده در روسیه، اوکراین و بلاروس پرداخت. هر چند جنگ جهانی اول در کار آنسکی ایجاد وقفه نمود ولی او همچنان کوششهای خود را ادامه داد و مجموعه ای شامل ۷۰۰ شئی عتیقه و ۲۰۰۰ عکس و کتابهای قدیمی متعددی را جمع آوری نمود. یکی از جالبترین و در عین حال تاسف بارترین نمونه های این مجموعه یک کیف دستی است که با اوراق تورات درست شده. تورات مزبور حین حمله و کشتار یهودیان توسط تزارها از کنیساتی در روسیه به سرقت رفته است.

بخش عمده ای از اشیاء و آثار مزبور که سالها در زیرزمین های موزه سنت پترزبورگ روسیه مانده، بزودی در موزه اسرائیل به نمایش گذاشته خواهد شد.

### سردرگمی حزب اله

با توجه به موضع مثبتی که سوریه در قبال صلح خاور میانه گرفته، رهبری حزب اله لبنان دچار سردرگمی شدیدی در این خصوص گردیده است.

این موضوع را ژنرال آمون شاهاک معاون ستاد ارتش اسرائیل به مجلس گزارش نمود. نامبرده اضافه کرد که تعداد حملات حزب اله به مواضع جنوب لبنان از ۱۷۰ مورد در سال ۱۹۹۲ به ۳۳۰ مورد در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است.



### برگرداندن اموال یهودیان

دولت چک با گذراندن قانونی از پارلمان آن کشور پذیرفت که داراییهای توقیف شده از جمعیت کوچک و رو بکاهش یهودی این کشور به جامعه یهودی برگردانده شود.

در رژیم کمونیستی پیشین، کلیه کنیساها و گورستانهای یهودی بزرگ نظارت دولت آمده بود ولی واسلاو کلاوس نخست وزیر چک اعلام نمود که این دارائی ها به سازمان یهودیان چک بازگردانده خواهد شد. کلاوس ماه گذشته بدعوت وزارت مسکن از اسرائیل دیداری بعمل آورد. وزیر مسکن اسرائیل، بنیامین بن الیعرز، به خبرنگاران گفت که در این ملاقات موضوع فروش اسلحه توسط دولت چک به کشورهای عرب مخالف اسرائیل مورد بحث قرار گرفته است.

### قربانیان جنگ و رانندگی

از زمان استقلال کشور اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تاکنون بیش از بیست هزار نفر در تصادفات رانندگی جان خود را از دست داده اند، حال آنکه تعداد سربازانی که طی جنگ های مختلف کشته شده اند ۱۷۷۰۰ نفر بوده است.

این آمار از سوی داو لوین رئیس کمیته ملی پیشگیری از تصادفات در اختیار مطبوعات قرار داده شد. نامبرده افزود که در سال ۱۹۹۳ تعداد کشته شدگان در تصادفات بالغ بر ۵۶۹ نفر بوده است.

### آتش سوزی در کنیسا

در کنیسای معروف مارینا روشی در مسکو اخیراً یک آتش سوزی رخ داد که باعث ایجاد خسارات فراوان و از جمله سوختن تعدادی تورات های دست نویس نایاب گردید.

وزارت امور مذهبی اسرائیل اعلام داشت که به بازسازی این کنیسا کمک خواهد کرد. این کنیسا که در سال ۱۹۲۷ ساخته شده شامل مدرسه و سالنهای اجتماعات متعدد بود.



### محاكمه متهم به كمك به حماس

محمد صلاح، فلسطینی اهل شیکاگو که فروشنده اتومبیل دست دوم میباشد، اخیراً در اسرائیل به اتهام فرستادن ۱۵۰ هزار دلار برای گروه تروریستی حماس جهت تامین اسلحه تحت محاکمه قرار گرفت. عکس بالا محمد صلاح را قبل از شروع محاکمه درحال بوسیدن دست یک زن فلسطینی نشان میدهد.

### طرح توسعه فرودگاه

دولت رابین لایحه ای را به مجلس اسرائیل تسلیم نموده که براساس آن با صرف هزینه ای معادل ۸۵۰ میلیون دلار، ترمینال های فرودگاه بن گوریون توسعه داده خواهد شد. در حال حاضر این فرودگاه ظرفیت جابجائی ۵ میلیون مسافر در سال را دارد و پس از انجام این طرح توسعه، ظرفیت مزبور به ۱۶ میلیون مسافر افزایش خواهد یافت.

### كمك انگلستان

وزیر خارجه انگلیس، داگلاس هرد اخیراً در دیداری از غزه اعلام داشت که دولت متبوع او ۱۰۰ میلیون دلار برای آموزش دادن پلیس غزه، تاسیس یک ایستگاه رادیوئی و تامین بورسهای تحصیلی گوناگون برای فلسطینی ها تخصیص داده است.

## بانک فلسطینی

بانک لثومی با همکاری گروهی از سرمایه گذاران فلسطینی، مراکشی و اسپانیایی در صدد تاسیس بانکی فلسطینی بنام «بانک بین المللی فلسطین» است. هانا سینیورا، سردبیر پیشین روزنامه الفجر بعنوان رئیس این بانک انتخاب شده است.

## امارات عربی و اسرائیل

بنا به اظهار یوسی بلین، معاون وزارت خارجه اسرائیل، مقامات دولتی قطر و عمان اظهار علاقه کرده اند که پس از انعقاد پیمان صلح، با اسرائیل روابط گسترده اقتصادی برقرار نمایند. وی اضافه نمود که نماینده ای از طرف دولت عمان برای شرکت در کنفرانس مربوط به منابع آب که در ماه آوریل در اسرائیل تشکیل میگردد به این کشور اعزام خواهد شد. برای برقراری روابط با کشورهای امارات متحده عربی در ماههای آینده شش کنفرانس برقرار خواهد شد که یک مورد آن در اسرائیل و بقیه در کشورهای مزبور خواهد بود.

## فروش اسلحه امریکائی به ایران

در گزارشی که از سوی لارنس ولش بازررس ویژه دادستانی امریکا در موضوع ایران - کانترا، انتشار یافته ذکر شده که مقامات اسرائیلی پای امریکا را به انجام معامله فروش اسلحه به ایران کشانده بودند. پس از اعتراض شدید مقامات اسرائیل به این موضوع و رد قطعی آن، این موضوع از گزارش لارنس

ولش حذف گردید.

## ملک حسین و شامیر

ملک حسین پادشاه اردن، در دو شب شبات، در یکی از خانه های مجلل خود در انگلستان مهماندار اسحق شامیر، نخست وزیر پیشین اسرائیل و دستیاران او بود. این دو ملاقات در سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۹۱ انجام گرفت.

دلیل این ملاقاتها بررسی مسائل مربوط به صلح و نیز آگاهی یافتن از چگونگی روابط اردن با عراق بود. در هر دو مورد وزیر کابینه شامیر، الیاخیم روبنشتین و یوسف بن اهرن مدیر کل نخست وزیری، همراه با شامیر بعد از ظهر جمعه از اسرائیل به انگلیس پرواز نموده با ملک حسین دیدار مینمودند و شب هنگام با غذا و شراب کاشر پذیرائی میشدند. در این دیدارها ملک حسین اظهار داشته بود که در سال ۱۹۶۷ از روی اجبار به جنگ با اسرائیل کشانده شده و شکرگزار است که با این کار تنها نیمی از سرزمین خود را از دست داد، حال آنکه این امکان وجود داشت که تخت و تاج خود را در این کارزار بیازد.

## فروشگاههای کاشر

راو حثیم زیلبر رئیس بخش واردات کاشر ربانوت اخیراً اعلام نمود که بدلیل نداشتن کادر کافی، حصول اطمینان از اینکه کلیه مواد غذایی که بعنوان کاشر وارد اسرائیل میگردد تماماً با دستورات کاشر تطبیق مینماید میسر نمیباشد.

## سایه فیلم

## انجام کلیه کارهای عکاسی و ویدیو

منصور پور اتحاد مدیر فتوآسیا - تهران

شماره ۳۵۱ رابرتسون جنوبی - بورلی هیلز

تلفن: (310) 652-3333



**BANK HAPOALIM**

**BANK HAPOALIM B.M.  
PRIVATE BANKING**

**بانک هپوعلیم**

**THE LEADING BANK IN ISRAEL**

We Welcome You to our **PRIVATE BANKING SERVICE** and invite You to come and talk to us regarding your banking needs.

مقدم شما را به بخش خدمات بانکی اختصاصی گرامی داشته از شما دعوت می کنیم  
در مورد نیازهای بانکی خود با ما تماس بگیرید

- \*CD'S IN U.S. DOLLARS AND OTHER CURRENCIES      حسابهای سپرده ، دولاری و سایر ارزها
- \* CASH SECURED LOANS AND LINES OF CREDIT      اعطای اعتبار
- \*INTERNATIONAL TRADE      معاملات بین المللی
- \*SAVINGS AND INVESTMENTS PLANS      طرح های پس انداز و سرمایه گذاری

**PERSONAL\*PROFESSIONAL\*CONFIDENTIAL\*STABLE**

شخصی      حرفه ای      محرمانه      ثابت

**MEMBER FDIC**

Call: Mr. David Zukerman, 6222 Wilshire Blvd., Suite 200  
Los Angeles, CA. 90048

Tel: (213) 964 - 7760  
Fax: (213) 937 - 1439



دفتر حقوقی

# فرهاد اریل

(فرهاد یاقوتی اریل)

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا



Law Offices Of

## FRANK Y. ARIEL

آسیب بدنی ناشی از تصادفات اتومبیل، تصادفات در محل کار یا زمین خوردگی  
 امور جنایی (سرقت از مغازه ها و رانندگی تحت تاثیر الکل و مواد مخدر)  
 تنظیم وصیت نامه، تراست (TRUST)، و انحصار وراثت  
 امور تجاری و بازرگانی (تشکیل، ثبت و انحلال شرکتها)  
 امور ساختمانی و معاملات املاک  
 امور مهاجرت و تابعیت  
 امور مالی و ورشکستگی  
 روابط مالک و مستاجر  
 امور کالکشن COLLECTION

# (310) 286-2626

1801 CENTURY PARK EAST, TWENTY-FOURTH FLOOR, CENTURY CITY, CA 90067

## فعالیت‌های اجتماعی یهودیان ایرانی در سال‌های قبل از انقلاب در گیری باشگاه برادران با نماینده مجلس

باشگاه برادران بسرعت مشغول سازماندهی جوانان یهودی گردید و در عرض مدت کوتاهی با تشکیل کلاسهای عبری، مرکز ورزشی، کتابخانه، تئاتر و جلسات هنری و روزنامه مخفی و از همه مهمتر تشکیل جلسات هفتگی شبهای جمعه در مدرسه کورش بصورت نهضت فراگیری در آمد که بسیاری از جوانان آن زمان را بسوی خود جذب کرد.

هر شب جمعه جلسه بسیار پر شوری با برنامه تنظیم شده قبلی که مرکب از سخنرانیهای پزشکی که غالباً توسط شادروانان دکتر ناصر اخترزاد و دکتر حبیب صداقت پور برگزار میگردد و سخنرانیها و بحث های اجتماعی و مذهبی و موزیک و سرودن آهنگهای عبری شور و هیجان خاصی داشت علی الخصوص که جلسه با خواندن دسته جمعی سرود هتیکوا شروع و خاتمه مییافت و چون در آن تاریخ هنوز دولت اسرائیل تشکیل نشده بود و با تبلیغات زهراگین فاشیستی و ضد یهودی روحیه جوانان ما ضعیف شده بود بالاترین کوشش برای اعتلای روحیه جوانان ما در این جلسات بکار میرفت.

انعکاس جلسات شب جمعه باشگاه برادران که ابتدا در سالن کنیسیای حثیم (حسن آباد) و بعداً بعلت توسعه در سالن مدارس کورش تشکیل میگردد بقدری وسیع و گسترده بوده که حتی از شهرستانها نیز جوانان، افراد و کسانی که قصد مسافرت بتهران داشتند برنامه خود را به نحوی تنظیم میکردند که شب جمعه حتماً در تهران بمانند و در این جلسات شرکت کنند ناگفته نماند که در آن تاریخ مراکز تفریح و گردش آئی برای

جوانان بسیار محدود و معدود بود و وجود چنین جلسات فوق العاده مغتنم شمرده میشد. نام کنیسیای حسن آباد توسط باشگاه برادران بنام «کنیسیای حثیم» برگردانده شد و انتخاب نام بخاطر حفظ حرمت حثیم ماشیح بنیان گزار کنیسیای حسن آباد - شادروان مستر حثیم فرزند شجاع و مبارز یهودیان ایرانی - شادروان حاخام حثیم موره روحانی روشن دل و نابغه زمان بود که هر سه این حثیم ها از خدمتگزاران برجسته جامعه ما بوده اند.

در یکی از جلسات شب جمعه که طبق معمول سالن کاملاً پر بود اطلاع دادند که آقای دکتر لقمان نهواری نماینده وقت باتفاق اعضا، انجمن کلیمیان و کورش در دفتر مدرسه کورش جلسه دارند و ما هم تصمیم گرفتیم که آنان را برای دیدار از جلسه باشگاه برادران دعوت کنیم، خوشبختانه دعوت مورد قبول واقع شد و نماینده مجلس وقت باتفاق همکاران خود بجلسه وارد شدند. در این وقت یکی از اعضا وابسته باشگاه برادران بنام مهدی عزیزاده اعتصامی که از اهالی مشهد بود از جای خود برخاست و پشت تریبون قرار گرفت و ضمن بر شمردن فعالیت های باشگاه برادران شرح مفصلی از اقداماتی که نگارنده در راه سازماندهی جوانان بعمل آورده بودم بیان نمود. و بدون مقدمه اشاره به جانفشانی یکی از بستگان اینجانب نمود که جان شیرین خود را در راه خدمت بجامعه از دست داده (در آن تاریخ چنین شایع شده بود که نگارنده با مرحوم مستر حبیب خویشاوندی داشته و قصد دارم پای خود را

بجای پای آن مرحوم بگذارم واقعیت اینست که هیچگونه قرابت فامیلی با متر حیمم نداشتم ولی روابط خانوادگی ما بسیار نزدیک بود و اغلب اوقات دولت خانم خواهر متر حیمم بمنزل ما رفت و آمد میکرد و ما نیز بمنزل آنان سر میزدیم) در حقیقت برداشت دکتر لقمان از این گفتار این بود که اینک جوان دیگری با شور و هیجان بسیار از شهرستان کرمانشاه قدم بعرضه فعالیت گذاشته و هدفش انتقامجویی و خونخواهی متر حیمم است. دکتر لقمان نه‌ورای که سیاستمداری ورزیده و مردی آرام و با تجربه بود نکته را با هشاری کامل درک کرد. بعد از خاتمه صحبت مهدی اعتصامی

بلافاصله مرحوم شکراله میشل که از همراهان دکتر لقمان بود پشت تریبون قرار گرفت (تریبون به مفهوم کنونی وجود نداشت بلکه میز کوچکی بود که گویندگان پشت آن قرار میگرفتند) شکراله میشل که قدی بسیار بلند و موهای مجعد و پریشی داشت فرزند رحیم میشائلی از دوستان و شرکای پدرم بود. با اینکه هرگز سابقه ای در سخنرانی و نطق و خطابه نداشت با صدائی که از هیجان میلرزید، مشت‌های محکمی بر میز خطابه کوبید و گفت آقای دکتر لقمان شما مدت بیست سال است که در مجلس شورای ملی هستید و هرگز کلامی بر زبان نیاورده اید و از حقوق جامعه ما



این عکس که در گردش دسته جمعی اعضای باشگاه برادران در سالهای ۱۳۲۰ برابر ۱۹۴۰ گرفته شده است توسط آقای داود عناویان به نگارنده اهداء شده است. در این عکس چهره های دوران جوانی تعدادی از خدمتگزاران قدیمی دیده میشود:

از بالا به پائین: شادروان موسی کرمانیان مؤسس باشگاه برادران و خدمتگزار صدیق جامعه.

منیر عزری که سفیر کبیر اسرائیل در ایران در دوران شاه فقید گردید

از راست بچپ: منوچهر امیدوار مفسر سیاسی رادیو اسرائیل - نویسنده و سخنور جلسات هفتگی

باشگاه برادران - پرویز امیرناوی - گبای از نخستین خالوتصمیم باشگاه برادران - شادروان رحیم یزدی

ردیف چهارم: شادروان ابراهیم امیدالحاج نایب رئیس اوتصرهتورا در ایران - نگارنده - فرج اله ناتان

شادی نویسنده کتاب تاریخ یهود ایران و جهان.

ردیف اول نشسته از پائین از راست بچپ فیض اله آقارپور - داوید تلمود - شادروان همایون حکمتی

شاعر و نویسنده و رئیس هیئت تحریر ر روزنامه مخفی «صیون» - داود عناویان - سلیمان پورگل

ما از اینکه دموکراسی در کشور وجود دارد صحیح نیست و جریان‌های سیاسی روز اجازه فعالیت‌های بیشتری باو نمیداده است در این وقت که شرکت کنندگان در اوج احساسات پر هیجان بودند و احتمال تظاهرات شدیدی میرفت من در کنار دکتر لقمان قرار گرفتم و بمحض پایان صحبت ایشان نطق کوتاه و پر هیجانی را برای آرام کردن جلسه ایراد کردم. دکتر لقمان نه‌ورای نیز که احساس میکرد که زمان سکوت و سکون سپری شده و حوادث بعد از سلطنت رضاشاه و جنگ دوم جهانی اتمسفر دیگری در جامعه بوجود آورده است که با رویه ایشان سازگار نیست در همانجا اعلام نمود که دیگرکاندیدای نمایندگی مجلس شورای نخواهد بود و باین ترتیب جنجال بزرگی که میرفت موجبات برخورد شدید بین باشگاه برادران و نماینده وقت مجلس شورای ملی یهودیان که همواره در تصور انتقامجویی مردم کرمانشاه از نامبرده بود در آن شب پر هیجان بدون بروز حادثه‌ای با اعلام عدم شرکت ایشان در انتخابات بعدی پایان بی حادثه انجامید.

دفاع نکردید شما باید بکنار بروید تا صندوق ملی تشکیل شود و جامعه سروسامانی پیدا کند و ما این جوان را به مجلس بفرستیم تا از حقوق جامعه ما دفاع کند. در این هنگام شور و هیجان شرکت کنندگان بعد اعلای خود رسیده ود و در پایان هر جمله شکرالله میشل شرکت کنندگان با فریاد هورا و دست زدنهای پیاپی از گفته‌های شکرالله استقبال میکردند. بعد از پایان صحبت‌های میشل آقای دکتر داویدی که داروخانه بزرگی در دروازه شمیران داشت به پشت میز خطابه رفت و یک برنامه عملی و ساده که عبارت از چاپ و انتشار بلیط‌های ۲۰ ریالی و ۵۰ ریالی برای تشکیل صندوق ملی بود ارائه داد. (باشگاه برادران بعدها آن برنامه را پیاده کرد ولی منجر به تشکیل صندوق ملی نشد). در این وقت بخواسته مردم دکتر لقمان شخصاً پشت تریبون قرار گرفت و او که شاید درست بیست سال بود که هرگز در چنین مجمعی ظاهر نشده بود با بیانی که از شدت هیجان ارتعاش شدیدی در آن احساس میشد مطالبی بیان داشت که البته بطور دقیق بخاطر ندارم ولی خلاصه آن این بود که برداشت مردم

## خدمات بیمه و مالی اسحقیان

مشاور و راهنمای صدیق شما در امور بیمه و وام

14937 VENTURA BLVD.  
SUITE 206  
SHERMAN OAKS, CA 91403

(818) 906-3666  
(310) 470-6938  
FAX: (818) 783-4312

# کیترینگ گلات کاشر جک بروخیم

زیر نظر مستقیم «آر - سی - سی»

ROYAL CATERING GLAT KOSHER

کیترینگ انحصاری مجتمع فرهنگی ارتص در «ولی»

و بسیاری از هتل های درجه اول لوس آنجلس

مدیریت، خوشنامی و تجربه طولانی و درخشان مهندس ژاک بروخیم

در مورد هتل داری و کیترینگ ر مز موفقیت چشم گیر ما میباشد

نرخ مخصوص در ایام هفته در مجتمع فرهنگی ارتص از ۱۹ دلار به بالا

جهت برگزاری کنفرانس ها، سمینارها و جلسات مختلف سالن مادر اختیار شما خواهد بود

جشن های بزرگ و کوچک شمارا شاهانه و اشرافی برگزار میکنیم

در منازل انواع اردو و شام و دسر ۲۲ دلار

OPEN B.B.Q

در منازل اوپن باربیکیو ۱۵ دلار

تلفن ۹۹۹۳ - ۴۵۸ (۳۱۰)



## اندیشه سخن ساز

چندیست خو گرفتم با ذهن قصه پرداز  
با جلوه شگرف اندیشه ی سخن ساز  
روزی به خنده گفتم خواهی که من نباشم  
خود رفته گبرو پندار هرگز نیامدم باز  
رفتم به جبر دردا، در باورم نگنجید  
کاینسان جدا بمانم از همدلان همراز  
پنداشتم که دوری چندان نباید آوخ  
دارم بدل نیاز یاران نکته پرداز  
در غرتی نفس گیر در شهر دیر جوشان  
این جان سخت باور دارد هوای شیراز  
در باغ انتظارم جز یاد تو نروید  
زین بیشتر چه گویم بشنو سخن به ایجاز  
ای سایه وش امید دور از دل رمیده  
راهی گشای برما با پرنیان اعجاز  
کشتند روح و جانرا آوارگی و دوری  
جبر زمانه بود این یا سرنوشت ناساز؟  
این کشته ی شقاوت دم میزند به حسرت  
از کشته گان دروغا هرگز نیاید آواز  
در هر دم و فرودم دریوزه دارخواهم  
از تو رسد پیامی کانجا بخوانیم باز  
تا بیکران رویا در سیر و در سلو کم  
هر دم فزونتر آید در سینه شوق پرواز  
آئینه دار صبحم در خلوت شبانه  
نور سپیده دم را تا پای جان کشم ناز  
خلوتگه من و دل بر روی غیر بسته  
گوئی به سینه ام دل هرگز نبوده زاغاز  
بشکسته پای شوق و بازوی التماس  
روید زهر «نگاهم» صدها نیاز بی آرز

## «نوروز»

در آستان لحظه ی میعاد  
خاک ناگهان سینه چاک داد  
و هزار ساقچه ی سبز ملوس  
زسینه ی صبور باغچه دمید؛  
قلب زمین تپید:  
سال تحویل شد.  
زپشت پنجره خورشید  
در زلال آینه خندید ...  
و بهار نگارین  
سوار بر مرکب زرین غبار نسیم  
از راه سر رسید.  
باغ شکوفان شد؛  
به لخت شاخسار  
شکوفه شکفت؛  
پرنده به شوق از آشیانه پرید  
و به نور و آب و آفتاب سلام گفت  
و جویبار به رقص طراوت درآمد  
و هلله سرداد.  
چه فرخنده زاد روزی  
نوروز:  
میلا د دوباره ی طبیعت.

امور حسابداری و مالیاتی خود را

به اشخاص متخصص **CPA** و با تجربه بسپارید

مؤسسه حسابداری و مشاوره مالی

## الیاس عزیز لاوی CPA

عضو انجمن های حسابداری رسمی **CPA** کالیفرنیا و امریکا

عضو انجمن حسابداران خبره انگلستان **FCA**

دارای ۲۰ سال تجربه در امور حسابداری و مالیاتی

- تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی (افراد - شرکتهای سهامی و تضامنی - تراست ها)
- تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی هدیه (Gift Tax Return) و مالیات برارث (Estate Tax Return)
- مشاوره در امور مالیاتی جهت کاهش بدهی مالیاتی، برنامه ریزی مالیاتی و ارزیابی Tax Shelter
- تهیه صورت محاسبه افزایش اجاره و هزینه های مربوط به ساختمان های تجاری و شاپینگ سنتر (C.P.I. and Pass Through Expenses)
- تهیه صورتهای مالی (Financial Statements) جهت اخذ وام از بانک ها و مؤسسات اعتباری
- طرح، تنظیم و سرپرستی سیستم های حسابداری مالی و حسابداری قیمت تمام شده
- مشاوره در امور سرمایه گذاری جهت خرید و فروش مؤسسات تجاری از قبیل کارخانجات، مؤسسات خدماتی، مغازه های خرده فروشی و عمده فروشی، صادرات و واردات
- مشاوره در امور مربوط به حسابرسی مالیاتی I.R.S. Audit و ادعای خسارت از شرکت های بیمه

**ELIAS AZIZ-LAVI**  
**CERTIFIED PUBLIC ACCOUNTANT**

8907 WILSHIRE BLVD., SUITE 301  
BEVERLY HILLS, CA 90211

Tel : (310) 657-2600

Fax: (310) 657-8981

از شماره ژانویه ۱۹۹۴ مجله ریترز دیجست

نوشته: دیوید تریسی

ترجمه: پروانه یوسف زاده

## ویزای زندگی



این دیپلمات ژاپنی می باید از دستور  
مافوق اطاعت کند یا به ندای وجدان  
خوبش گوش فرا دهد.

کنسول نزدیک شد و گفت: «اینها پناهندگان یهودی هستند و از شما می خواهند که جانشان را نجات دهید».

آن روز، ۲۹ جولای سال ۱۹۴۰ بود. در سپتامبر سال قبل آلمان نازی لهستان را اشغال کرده بود. گزارش های وحشت انگیزی از جنایات آلمان بر یهودیان بگوش میرسید. ولی آیا اینها ربطی به کنسول ژاپن در لیتوانی میتوانست داشته باشد؟ سوگی هارا، دستور داد از میان جمعیت نماینده ای برای مذاکره با او بیاید. وکیل جوانی در حدود سی ساله بنام زوراک

سمپو سوگی هارا کنسول ژاپن در شهر کواناس، لیتوانی از هیاهو و فریادهائی که بگوشش رسید بیدار شد و از پنجره به جمعیتی که در اطراف کنسولگری اجتماع کرده بودند خیره شد. این دیپلمات چهل ساله، با ناباوری به صدها زن و مرد، جوان و پیر و کودک نگاه میکرد. اکثر مردان دارای ریش بلند، کلاه های گرد لبه پوستی بر سر و کت های بلند مشگی بر تن بودند. عده ای بچه های کوچک در بغل داشتند. برخی دست پیرزنان و پیرمردان را گرفته بودند و اغلب آنها اثاثیه حقیرشان را در بقچه های کوچک بردوش گرفته بودند. خانه شاگرد به آقای

وارهافتیگ جلو آمد و برایش مصائب و دشواریهایشان را تشریح کرد. او گفت: «نازیها خانواده های کامل را قصابی و نابود کرده اند. این پناهندگان با مشقت بسیار خود را به لیتوانی (که در آن هنگام ضمیمه شوروی اش کرده بودند) رسانیده اند و فقط فرصت کوتاهی دارند که جان خود را نجات بدهند زیرا جنگ هر لحظه بآن منطقه نزدیک تر میشود». برای آنها فقط یک راه فرار باقی مانده بود - عبور از شوروی و رسیدن بکشوری دیگر. ولی شورویها بهیچ وجه بآنان بدون ویزای ورود به کشوری ثالث، اجازه عبور نمی دادند. آنها بایستی ویزای معتبر از کشوری بعنوان مقصد که پذیرای آنان خواهد بود به مامورن شوروی ارائه بدهند تا بتوانند هر چه زودتر فرار کنند. کنسولگریهای کشورهای دیگر یا بسته شده بودند و یا بآنان روی خوش نشان نمی دادند. تنها پناهگاه باقیمانده برای آنها کنسولگری ژاپن و رحم و مروت آقای کنسول بود.

سوگی هارا، با شنیدن این مطالب گفت: «میل دارم بشما کمک کنم باین ترتیب بیش از هزار ویزا باید صادر شود. ولی اول باید از توکیو کسب تکلیف کنم». وارهافتیگ نگران شد زیرا معدود کشورهایی به یهودیان اجازه ورود یا عبور می دادند و بدتر از همه اینکه ژاپن در حال بستن معاهده اتحاد با آلمان نازی بود.

در میان جمعیت جوانی بیست ساله بنام یهوشوعا نیشری بود که با دقت به سخنان وارهافتیگ گوش میکرد. او نیز در دل می اندیشید این تنها امید ماست و اکنون وقت هم رو به پایان است.

سوگی هارا ضمن تلگرافی به وزارت امور خارجه در توکیو درخواست کرد که باو اجازه دهند فوراً ویزای ترانزیت برای یهودیان صادر کند. دو روز بعد پاسخ رسید که: «شما اجازه ندارید برای کسانی که مقصد معلوم و مشخصی ندارند ویزای ترانزیت صادر کنید». آن شب سوگی هارا تا صبح قدم زد و فکر کرد صبح روز بعد به همسرش یوکی کو که او نیز تمام شب بیدار مانده بود گفت: «باید کاری کرد». و یوکی کو گفت: «بله. ما باید کاری کنیم». و با

تخیر از خود می پرسید که چطور کسانی می توانند قلب خود را آلوده به چنین نفرت کوری کنند؟ نگاه عجز آلود و تأثر انگیزی را که در چشمان این پناهندگان مخصوصاً آنها که فرزندان در آغوش داشتند دیده بود و این مرد را که خود نیز سه فرزند داشت بشدت منقلب کرده بود.

سوگی هارا دوباره به توکیو تلگرافی فرستاد و اشاره کرد که پناهندگان در مدت بیست روز از کشور شوروی عبور خواهند کرد و پس از سفر با کشتی از بندر ولادی وستک به ژاپون میرسند و با اقامت یکماهه در ژاپون ۵۰ روز میگذرد و قطعاً در این پنجاه روز یک مقصد قطعی برای آنها یافت خواهد شد. این بار نیز پاسخ منفی بود.

سوگی هارا تلگراف سوم را فرستاد و اعلام کرد که پیشرفت نازیها باین منطقه بنظر قطعی میآید و یهودیان بهیچوجه راهی در پیش نخواهند داشت. باز هم درخواست او رد شد. در این وقت بود که سوگی هارا با وجدانی ناراحت به تفکر نشست. او می باید یا از دولت متبوع خود فرمانبرداری کند یا از وجدان انسانی اش.

سمپوسوگی هارا، مردی خود رأی بود. از دبیرستان با نمرات درخشان فارغ التحصیل شد و پدرش تاکید داشت که او طبیب شود. ولی رویای سمپو مطالعه ادبیات و زندگی کردن در خارج بود.

صبح روزیکه امتحانات ورودی دانشکده پزشکی آغاز میشد. سوگی هارای جوان در حالی از خانه بیرون رفت که پدرش باو تاکید میکرد نهایت سعی و کوشش خود را در امتحان بخرج دهد. ولی او روی اوراق امتحان فقط نام خود را نوشت و در پایان امتحان همان اوراق سفید را تسلیم ممتحنین کرد. بعدها سوگی هارا بجای دانشکده پزشکی وارد دانشگاه ممتاز واسدا در توکیو شد تا به مطالعه انگلیسی بپردازد. برای خرج تحصیل ناچار شد کار کند. گاهی معلم سرخانه، گاهی دوندۀ ریکشا (نوعی درشکه مسافر کشی که بجای اسب آدم آنرا می کشد) و در بعضی مواقع کارگر بندر و بارانداز شد.

روزی در روزنامه آگهی جالبی بنظرش آمد.



در وزارت امور خارجه در جستجوی جوانانی بود که مایل به تحصیل و مطالعه امور سیاسی در خارج باشند و بعد از تحصیل در آن وزارتخانه خدمت کنند. بنظر میرسید که رویای مرد جوان بواقعیت نزدیک میشد.

در میان تعداد اندک قبول شدگان، سوگی هارا بود که بدانشگاهی در شهر هاربین در چین رفت. در آنجا به آموختن روسی پرداخت همچنین تغییر مذهب داده و بدین مسیح گروید.

پس از فارغ التحصیلی با درجه ممتاز، باو در منچوری واقع در شمال شرقی چین که تحت قیمومیت ژاپن اداره میشد شغلی ارجاع کردند. در آنجا، سوگی هارا موفق به کسب ارتقاء رتبه گردید تا به مقام معاونت رئیس امور خارجیان رسید. زمانی که دولت شوروی پیشنهاد فروش خط راه آهن به ژاپن داد، سوگی هارا با کاردانی موفق به انجام این معامله بنفع ژاپن شد. باین ترتیب که او متوجه شد قیمت پیشنهادی شورویها دو برابر ارزش واقعی خط آهن است و با چانه زدن موفق به پائین آوردن آن به نصف شد. این کاردانی بزودی باعث ترقی سریع سوگی هارا شد ولی او قلباً احساس رنج بسیار میکرد، زیرا رفتار مامورین دولت ژاپن با اهالی منطقه بسیار خشن و بیرحمانه بود. در سال ۱۹۳۴ در حالیکه در مقام معاونت بالائی بود استعفا کرد و به ژاپن بازگشت.

در این زمان، در وزارت امور خارجه ژاپن، معلومات روسی او منحصر بفرود بود و این وزارت خانه میخواست او را بعنوان سفیر به مسکو بفرستد ولی شورویها که داستان معامله خط آهن بیادشان بود با این امر موافقت نکردند در نتیجه توکیو او را به لیتوانی فرستاد تا کنسولگری تأسیس کند و وظیفه او صرفاً کسب و فرستادن اطلاعات از فعالیت های شوروی و نقشه های جنگی آلمان بود.

شش ماه بعد، جنگ شروع شد. روسیه شوروی لیتوانی را ضمیمه خود کرد و بیدرنگ دستور بستن کلیه کنسولگری ها را صادر کرد. و حالا است که اجتماع یهودیان پشت درهای کنسولگری ژاپن ساعت به ساعت انبوه تر میشود.

سوگی هارا و همسرش بمشورت با یکدیگر

نشستند تا بدانند اگر او از اوامر صادره سرپیچی کند چه خواهد شد. هر دو می دانستند که عواقب آن از دست دادن شغل و مقام او بود در عین حال سوگی هارا قبلاً احساس خویش را درک میکرد و میدانست که چه خواهد کرد.

او به «یوکی کو» همسرش گفت: «شاید لازم باشد که نافرمانی کنم ولی اگر نکنم، از خداوند نافرمانی کرده ام». پس بمیان یهودیان آمد و گفت: «من برای همه شما ویزا صادر خواهم کرد». سکوتی باور نکردنی حکمفرما شد و بعد انفجاری از هیاهوی خوشحالی. صف عظیم و نامنظمی بوجود آمد زیرا همه سعی میکردند جای بهتری در صف بگیرند.

از آنجائیکه ویزاهای صادره ترانزیت بود، صاحب آن می بایستی مقصد نهائی خود را نیز بنویسد. اینجا بود که کوشش ها و تحقیقات وارهافتینگ بدادشان رسید. بر طبق اسنادی، او دریافته بود که یکی از مستعمرات هلند در دریای کارائیب بنام کوراکائو ویزای ورود از مسافرین مطالبه نمی کند. آنها نیز مقصد نهائی خود را کوراکائو نوشتند.

روز اول اوت از صبح زود شروع به نوشتن اوراق ویزا کرد، اوایل کار سئوالات مرسوم درباره بلیط مسافرت برای خروج از ژاپن و داشتن پول کافی برای سفر و غیره را از آنها میکرد و آنگاه که متوجه شد این پناهندگان فقط توانسته اند با حداقل فرار کنند، دیگر از سوال هم خودداری کرد.

ایگوفلدبلوم ۱۲ ساله با خانواده اش از کراکو در لهستان فرار کرده بود، وقتیکه نوبت آنها برای ورود به اطاق آقای کنسول شد دید که خانه شاگرد، در گوش یک یک آنها میگوید: «نانزائی نیبون» بمعنای زنده باد ژاپن. منظور از این کار و ادای این کلمات تأیید یکی از شرایط دریافت ویزا بود که باید ژاپونی هم حرف بزنند. صدور هر ویزا یک ربع طول میکشید، سوگی هارا از خوردن نهار صرفنظر کرد تا در حد ممکن ویزاهای بیشتری بنویسد با وجود این آخر شب وقتیکه دست از کار کشید هنوز چیزی از جمعیت کم نشده بود و او ناچار شد که شبانه روزی کار کند و همینکه فرم های رسمی نیز تمام شد، مجبور شد با

دست تمام مطالب فرم های چاپی را بنویسد، بدین ترتیب بود که پس از چند روز در اثر بیخوابی و کار مداوم سوگی هارا دچار ضعف شد و چشمانش را خون گرفت، با اینحال بکوشش خود افزود ولی یکشب که احساس خستگی شدیدی میکرد رو به همسرش کرده و گفت: «می توانم این کار را متوقف کرده قدری استراحت کنم؟» و یوکی کو بآرامی پاسخ داد: «بگذارید هر قدر ممکن است تعداد بیشتری را نجات دهیم!»

در هفته سوم ماه اوت، سوگی هارا تلگراف هائی مبنی بر متوقف کردن این کار دریافت کرد. تعداد زیادی از مهاجرین لهستانی وارد بنادر یوکوهاما و کوبه شده بودند که باعث بی نظمی و شلوغی شدید در این بنادر شده بود. سوگی هارا تلگراف ها را نادیده گرفت. در اواخر ماه شوروپها بر فشار خود برای بستن کنسولگری افزودند و توکیو دستور بازگشت و رفتن به برلین را به سوگی هارا داد و هنوز هم یهودیان صد، صد، میآمدند.

چهره استرحام انگیز این پناهندگان رقت آور بود، ناچار سوگی هارا اعلام کرد که شب آخر به هتلی میرود و در آنجا نیز بنوشتن ادامه میدهد، جمعیت بدنبال او راه افتاد و تا صبح روز بعد او می نوشت ولی هر قدر کوشش میکرد هنوز پاسخگوی جمعیت نمی توانست باشد. وقتیکه وارد قطار شده بود فقط نام خود را روی اوراق سفید امضاء میکرد باین امید که شاید بنحوی کار ساز باشد و این اوراق را دسته دسته از پنجره قطار به میان جمعیت میریخت. وقتیکه قطار راه افتاد، از میان جمعیت فریادی بگوش او رسید: «سوگی هارا، هرگز ترا فراموش نخواهیم کرد».

مهاجرین در حالیکه ویزاهای ذقیمت خود را بسینه فشرده و چون جان حفظ میکردند رو به شرق و سیبری رفتند. هنگامیکه به کشتی نشستند تا به ژاپن بروند، دانستند که اوراق دست نوشته و مهر زده سوگی هارا برایشان چه نعمتی است.

موشه کهن، دانشجوی ۱۷ ساله نیز چنین می اندیشید. وقتیکه او با گروهی در حال سوار شدن به کشتی بصوب کوبه بودند، یک مامور روسی، ربای

پیری را بطرف دو افسر ژاپنی که اوراق ویزا را مطالبه میکردند هل داد و هنگامیکه او پاسپورت خود را گشود تا ورقه ویزا را تسلیم آنها کند، ناگهان باد آنرا برد و همچون بادبادک، با فاصله کمی روی آب آنرا می چرخاند. موشه کهن میگوید: «همه ما، مات و مبهوت، باین منظره خیره مانده بودیم و این ورقه همچنان در پرواز بود. تا اینکه ناگهان چرخش زد و بالا آمد و بر لبه کشتی جلوی پای ربای بر زمین افتاد، و او فوراً آنرا برداشت و به مأمورین داد و آنگاه آنها باو اجازه سوار شدن دادند».

در ژاپن با یهودیان ارفاق بسیار کردند. هنگامیکه اعتبار ویزایشان سر آمد، به آنها اجازه دادند که به شانگهای بروند تا جنگ پایان گیرد و در آنجا بود که معلوم شد جزیره کوراکائو نیز دروازه خود را به روی یهودیان بسته است. پس از جنگ عده ای از یهودیان در ژاپن اقامت گزیدند. اکثریت آنها به آمریکا، آمریکای جنوبی و عده ای به فلسطین آتروزگار و اسرائیل امروز، رفتند.

سوگی هارا تصور میکرد حدود سه هزار و پانصد ویزا صادر کرده ولی منابع دیگر میگویند که او حداقل شش هزار ویزا بدست یهودیان پناهنده داده است. در زمان جنگ سوگی هارا سرپرست کنسولگری های چکوسلواکی، رومانی و آلمان شد و چون در مورد ویزاها، دولت مطلبی عنوان نکرد، گمان میکرد که نافرمانی او را بخشیده اند.

در سال ۱۹۴۵ سوگی هارا کنسولگری ژاپن در بخارست (رومانی) را سرپرستی میکرد که مأمورین شوروی او را همراه خانواده اش دستگیر و بازداشت کردند. پس از ۲۱ ماه که در بازداشت بودند آنها را به ژاپن فرستادند. در توکیو، سوگی هارا، امید داشت که در مقام سفیر به مأموریت برود، در عوض معاون وزیر امور خارجه از او خواست که استعفا کند و حتی تقدیر نامه مرسوم پایان خدمت را نیز باو ندادند و او دانست که نافرمانی او را در لیتوانی فراموش نکرده اند.

برای گذران زندگی و اداره خانواده، مجبور شد همچون یک دستفروش دوره گرد بدر منازل رفته، لامپ برق بفروشد تا اینکه موفق شد برای سرپرستی شعبه

یک شرکت بازرگانی به مسکو برود در حالیکه می بایست زن و فرزندان خود را پشت سر گذارده و فقط گاهگاهی بدیدن آنها بیاید.

یهودیانی که زندگانی خود را مدیون او میدانستند، سوگی هارا را از یاد نبردند و بجستجوی او برخاستند. تماس های مکرر آنان با وزارت امور خارجه در توکیو بی نتیجه بود. در سال ۱۹۶۷، روزی پسر سوگی هارا پیغامی دریافت کرد مبنی براینکه یک مقام سفارت اسرائیل در توکیو، مایل بملاقات با اوست. این مقام، یهوشوعا نیشری بود که با جستجو در لیست فارغ التحصیلان وزارت امور خارجه توانسته بود رد پای این خانواده را بیابد. نیشری به هیروکی پسر سوگی هارا، گفت: «سالیان بسیاری است که در جستجوی پدرت هستم، هرگز نتوانسته ام مردی را که جان مرا نجات داده است فراموش کنم». هیروکی گفت که پدرش در مسکو کار میکند، پس قرار گذاشتند که هیروکی باو خبر بدهد که دولت اسرائیل در صدد ترتیب بزرگداشتی است تا از خدماتش قدردانی کند. پاسخ غیر منتظره نبود زیرا «او گرفتار کار بود و فرصت حضور در مراسم تشکر رسمی را نداشت».

پس از سه ماه تلاش نیشری به سوگی هارا قبولاند که به اسرائیل برود.

در تل آویو، از سوگی هارا، همچون یک قهرمان استقبال کردند. کسانی که او نجاتشان داده بود، بافتخارش ضیافت ها برپا کردند. در میان آنها بودند کسانی که در تاریخ کوتاه کشور اسرائیل رل مهمی بازی کرده و مصدر مقامات عالی بودند. زوراک وارهافتیگ همان وکیل جوان که سخنگوی جمعیت شده و برای سوگی هارا گرفتاریشان را تشریح کرده بود، در نوشتن اعلامیه استقلال کشور اسرائیل سهیم بود و اکنون نیز وزیر امور مذهبی کشور اسرائیل بود. وقتیکه وارهافتیگ از سوگی هارا پرسید: «من همیشه متحیر بودم که شما چرا این کار را کردید؟» او پاسخ داد: «مردمی را دیدم که در رنج بودند و من قادر بودم که آنها را کمک کنم و کردم».

در سال ۱۹۸۴ «بنیاد قهرمانان و شهدای هولوکاست» طی مراسمی عنوان «پارسای عادل در بین

حل آن ها باور کردنی نیست حل میکند و از میان بر میدارد. سوگی هارا بالاتر از این ها بود چون چشمداشتی برای پاداش نیز نداشت.

در سال ۱۹۸۶ سوگی هارا در ژاپن فوت کرد. هنگامیکه یک گروه راو یهودی ارتدکس برای شرکت در مراسم تشییع جنازه به خانه او آمدند. تازه همسایگان او متوجه شدند که یک انسان والا و قهرمان در میان آنان میزیسته.

در سال ۱۹۹۱ دولت ژاپن رسماً اعلام کرد که هر چند با تاخیر از سوگی هارا و خانواده اش عذر خواهی میکند. همسر و پسران او هنوز نامه های سپاس و امتنان از یهودیان دریافت میکنند. بر طبق تحقیقات بعمل آمده، اگر فرزندان و نواده های افرادی را که سوگی هارا برایشان ویزا نوشت، شماره کنیم اکنون بالغ بر ده ها هزار نفر میشوند که همگی حیات و زندگی خود را به این انسان والا و دیپلمات شجاع مدیون هستند. وارهافتیگ که ۲۵ نوه دارد میگوید: «سپو سوگی هارا فرستاده ای از جانب خداوند بود».

ملل را به او اعطاء کرد و چون سوگی هارا توان مسافرت نداشت، همسرش بجای او با اسرائیل رفت. در سال ۱۹۸۲، دولت اسرائیل با احترام کامل باو تابعیت افتخاری اسرائیل را داد.

در امریکا نیز، سوگی هارا، مورد احترام و بزرگداشت قرار گرفته است. پشیوای میرر در نیویورک بوسیله پناهندگانی که از شهر میرر در لهستان فرار کرده بودند، تاسیس شده و سیصد نفر از بنیان گذاران و استادان و دانشمندان آن جان خود را به سوگی هارا مدیون هستند. این مؤسسه اخیراً طی برگزاری جشن پنجاهمین سالگرد تأسیس خود، بافتخار سوگی هارا بنیادی را برای آموزش دانشجویان یهودی، بنام او اعلام کردند.

ایگوفلدبلوم همان پسرک ۱۲ ساله که خائواده اش از کراکو در لهستان، فرار کرده بود اکنون پزشکی است و در حیفا زندگی میکند. او عقیده دارد که یک مرد شجاع، موفق بانجام کارهای خارق العاده میشود که دیگران شهامت انجام آنرا ندارند و یک قهرمان، آری فقط یک قهرمان است که مشکلاتی را که

## دکتر جیکوب اسحق اف

### دندانپزشک

استادیار دانشکده دندانپزشکی . U . C . L . A .

دندانپزشک کودکان و بزرگسالان

9301 Wilshire Blvd, Suite 409  
(at Rexford)  
Beverly Hills, CA 90210



- روت کانال
- روکش چینی و دندان های مصنوعی ثابت و متحرک
- زیبایی دندان ها با بایندینگ
- جلوگیری از پوسیدگی دندان ها
- جلوگیری از بیماری های لثه
- جراحی دهان و دندان
- قبول اورژانس های دندانپزشکی



# David Nathan Architect

ARCHITECTS - BUILDERS - DEVELOPERS AND CONSULTANTS LICENSE NO. CO15263



## مهندس ناصر ناتان آرشیست: طراح و مجری

- دارای پروانه مخصوص ساختمانی
- از طرف انجمن مهندسان کالیفرنیا
- متخصص در تهیه طرحهای ساختمانی
- و اجرای آنها برای بناهای لوکس
- و مدرن؛ منازل تک واحدی، ساختمانی
- چند طبقه و بناهای تجاری
- مجهز به کادر پر تجربه و کار آزموده
- برای اجرای پروژه های ساختمانی
- بازدید از ساختمانی زلزله زده
- و تهیه گزارش برای FEMA
- همکاری در اخذ وام ساختمانی
- از منابع گوناگون



**EARTHQUAKE  
REPAIR TEAM**

for more information  
Please call US at

(310) 826-8588

برای اطلاعات بیشتر لطفاً با این شماره  
تلفن تماس حاصل فرمائید:

11628 SANTA MONICA BLVD., SUITE #208 W. LOS ANGELES, CA 90025

## بگو که دوستم داری

ترجمه و تنظیم از: گیتی بروخیم (سیمانطوب)

چرا بعد از ازدواج مکالمات عاشقانه  
بین زن و شوهر بسرعت کاهش مییابد

خانمی با اندوه و تاسف می‌گفت: «شوهرم دیگر از عشق با من سخن نمی‌گوید ... مدت‌ها است کلام شیرین عاشقانه ای از دهان او بگوشم نخورده ... در لحظات خلوت، گوشه‌ایم تشنه اظهار عشق اند و این عطش هرگز سیراب نمیشود. گاه که به تنگ می‌آیم از او می‌پرسم آیا هنوز دوستم داری؟ و او بسرعت و با یک بله کوتاه و سریع گفتگو را قطع میکند، شدیداً افسرده می‌شوم و او هم دلخور و بی‌حوصله می‌شود، از سؤال خودم احساس پشیمانی می‌کنم زیرا غرورم در هم شکسته ولی چه کنم که در حسرت شنیدن کلمات محبت آمیزش می‌سوزم. مگر وقتی دو نفر همدیگر را دوست دارند. ابراز این محبت و عشق در قالب کلمات طبیعی نیست؟ مگر زن و شوهر از ابراز عشق و گفتن اینکه یکدیگر را دوست میدارند باید خودداری بکنند؟»

روان شناس در جواب این خانم گفت: طبیعی تر آنست که این عشق را زن و شوهر گاه به گاه بهم ثابت کنند و برای ثبوت عشق فقط کلمات کافی نیست، بلکه با حرکات، نگاه، لذت بخشیدن و لذت بردن، فداکاری و خدمت کردن، احترام گذاشتن و برتر دانستن و خلاصه به هزار طریق دیگر میتوان عشق را ثابت کرد.

ولی حقیقت مسلم اینستکه همه ما در تمام طول زندگی خود، خاطره ابراز عشق های لطیف، شاعرانه، داغ و پر هیجان روزهای نخست آشنائی را با حسرت از تکرار نشدن آن بخاطر خواهیم آورد. در فراغ آن آه می کشیم ولی تکرار کردنش بهمان صورت هم برایمان میسر نخواهد بود.

چرا؟ راستی چرا شوهرها پس از اینکه مدتی



Justalvin

از زناشویی آنها گذشت دیگر کلمه «دوستت میدارم» از زبانشان می افتد؟

روان شناس در جواب میگوید:

ابراز عشق شدید در ابتدای آشنائی نوعی اطمینان بخشیدن متقابل است و جمله «دوستت دارم» مساوی است با «دلَم میخواهد مال من باشی» و یا مساوی است با: مطمئن باش که جز بتو به دیگری تعلق نخواهم داشت».

در دوران نامزدی و تازه آشنائی، عشق هنوز پیوندی ایجاد نکرده و بدون چنین پیوندی عاشق و معشوق نگران از دست دادن یکدیگرند. در این دوران فقط در قالب کلمات میتوان وجود یک عشق متقابل را ثابت کرد در حالیکه بعد از ازدواج برای ابراز محبت و وفاداری و صمیمیت هزار و یک طریق دیگر بغیر از حرف زدن وجود دارد.

دو جوان سالها امید داشته اند که بوسیله زناشویی با عشق بزرگ زندگی خود آشنا شوند و حالا این امید به حقیقت پیوسته، هر دو از این کشف خود چنان ذوق زده اند که روزی صد بار میگویند: «دوستت دارم» در حقیقت بطور ناخودآگاه میخواهند بخود ثابت کنند که این سعادت بزرگ واقعیت دارد و رویای فناپذیری نیست. و بعد این دو عاشق جوان ازدواج میکنند و در نتیجه نگرانی بزرگ آنها که «مبادا تو را از دست بدهم؟» بر طرف شده است. هر دو مطمئن هستند که یکدیگر را دوست دارند و علتش هم اینست که برای همیشه سرنوشت خود را به یکدیگر پیوند زده اند و جانی برای نگرانی و عدم اطمینان وجود ندارد و بهمین جهت احتیاجی به تکرار ورد «دوستت دارم» نمی بینند. اینجا است که بدبین ها این نتیجه گیری تلخ و تکراری را بعمل می آورند: ازدواج عشق را میکشد ...

در حالیکه ازدواج اصلاً عشق را نمیکشد بلکه، نیاز به اطمینان بخشیدن دائمی را کاهش میدهد. زن و مرد با یک تصمیم گیری بسیار مهم یعنی ازدواج با یکدیگر بهم ثابت میکنند که عشقشان واقعی است و دیگر جانی برای شک و تردید وجود ندارد، پس لزومی هم نیست که با تکرار مکررات و ذکر حملات و

کلمات به یکدیگر اطمینان ببخشند که عاشق یکدیگر و وفادار هستند.

روانشناسان معتقدند کسانی که اعتماد بنفس کافی ندارند هرگز - حتی با ازدواج - احساس اطمینان از عشق نمیکنند و در نتیجه هرگز از شنیدن و دوباره شنیدن اینکه معشوق دوستشان دارد سیر نمیشوند. و از نشنیدن جمله «دوستت میدارم» زجر می کشند. آیا این یک نگرانی و غم زنانه است؟ بهیچ وجه! بسیاری مردانی هم که تا سنین پیری در حسرت شنیدن و دوباره شنیدن «دوستت دارم» همسر خود آه میکشند، و اگر در لحظات خلوت شاهد ابراز عشق همسر خود نباشند گاه قادر به انجام وظایف زناشویی خود نخواهند بود.

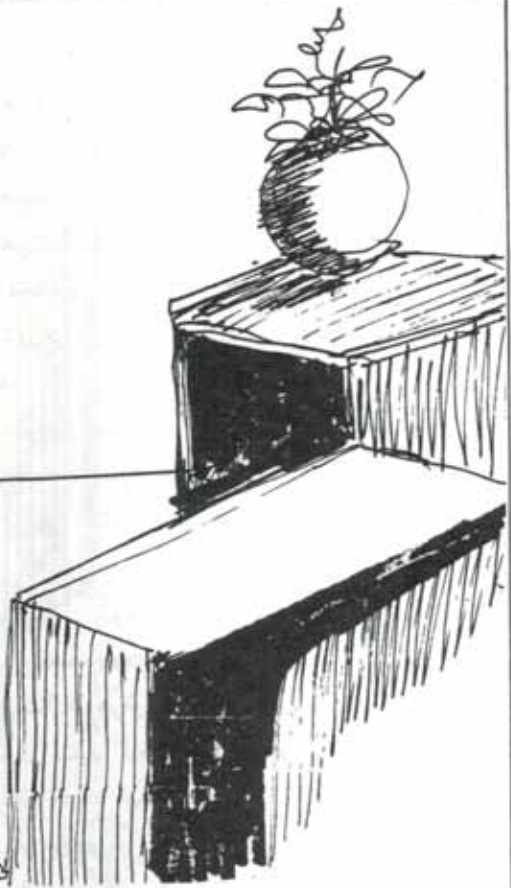
در جریان زندگی زناشویی، عشق برای ثبوت خود راههای جدیدی پیدا میکند، در نتیجه کلمات بتدریج بیهوده و بی اعتبار می شوند و در عوض اعمال و رفتار بیشتر به حساب خواهد آمد. بارها و بارها شاهد رفتاری از جانب بعضی زن و شوهرها بوده ایم و بلافاصله آنرا چنین وصف کرده ایم: «این نشانه یک عشق بزرگ است» حقیقت مسلم همین است که عشق باید با نشانه ها خود را بنمایاند نه فقط در قالب کلمات زیرا، در برابر شکوه یک عشق کلمات گاه بی ارزش جلوه گر میشوند!

در زندگی زناشویی به هزار طریق میتوان عشق را ثابت کرد. با جستجو برای دست یافتن به تفاهم جنسی، تمایل شدید و مشترک به بچه دار شدن از یکدیگر، نقشه های مشترک برای آینده مشترک، تبادل فکر و عقیده، کوشش برای خوشحال کردن هم، فداکاری در راه یکدیگر و بالاخره بخاطر خواست دیگری از خواست خود گذشتن ... اینها همه نشانه های باشکوهی از حضور عشق اند.

شوهری که ساعت پنج صبح از خواب برمیخیزد و شیشه شیر بدهان فرزند کوچکش میگذارد تا همسرش فرصت بیشتری برای استراحت کردن داشته باشد بدون نیاز به کلمات راه بسیار قشنگی پیدا کرده تا به همسر خود بگوید «دوستت دارم» این روش هزارها بار زیباتر و بالارزشر از بزبان آوردن چند کلام ساده



جمال الدین



این خواهش که «بگو مرا دوست داری» یا بهتر بگویم این تحمیل چه عواقبی دارد؟ مرد که در آن لحظات آمادگی ابراز محبت و عشق را نداشته و از ابراز آن طفره رفته شدیداً خود را مقصر احساس میکند و متعاقب آن در درون خود میل به تهاجم احساس میکند، میلی که با پافشاری زن در شنیدن جملات عاشقانه، افزایش مییابد. میدانید این میل چگونه خود را نشان میدهد؟ جوابتان را از زبان خودتان میدهم:

- او دیگر با من حرف نمیزند!  
- همینکه وارد منزل میشود جلوی تلویزیون می نشیند و به بهانه دیدن برنامه ها مهر سکوت بر لب میزند.

- به بهانه کار اداری شب ها دیر بمنزل میآید.  
- برای او فقط کارش اهمیت دارد.  
و جملاتی از این قبیل که از زبان بسیاری از زنها شنیده میشود! مرد خودش هم میداند که تغییر کرده، میداند که هم کلام شدن با همسرش برایش دشوار شده ولی علت اصلی آن چندان برایش روشن نیست و اگر ما روانشناسها کمکش کنیم علت واقعی

است ... زنی که بهترین قسمت غذا را در بشقاب شوهرش میگذارد بدون حرف فریاد میزند: «دوستم دارم» ... زن و شوهری که مشترکاً تلاش میکنند و شاهی ها را رویهم میگذارند تا بتوانند آپارتمان کوچکی بخرند و کانون گرم خانواده را در آن تشکیل دهند مسلم است که یکدیگر را دوست دارند.

برمیگردیم سراغ همان جمله معروف: «بگو دوستم داری» یا «بتو دستور میدهم که بمن بگویی که دوستم داری». در هر حال این دستور و یا این نیاز باعث میشود که مرد از پاسخ صریح دادن طفره برود زیرا اظهار علاقه و عشق باید اختیاری و خود بخود صورت بگیرد نه به اجبار.

همانطور که گفتم بهر حال در مقابل این اصرار پاسخ صریحی در کار نیست و جواب مرد چیزی از این قبیل است: «خودت که خوب میدانی»، «مگر شک داری؟» که تازه این جملات را هم با عذاب و سختی بزبان میآورد زیرا احساس میکند چنین ابراز عشقی دستوری است و در نتیجه تصنعی!

را کشف خواهد کرد و آنرا به این صورت بیان میکند: «نمیتوانم آنچه را از من انتظار داری برآورده کنم. تو از من زیاد توقع داری، زیادتر از آنچه برایم مقدور است. از اینکه قادر نیستم توقعاتت را برآورم ناراحتم و بهمین جهت از برابرت فرار میکنم و از هم صحبت شدن با تو ظفره میروم...»

البته هیچ مردی این کلمات را بزبان نخواهد آورد زیرا احساساتی که وصف شد برای خودش هم مبهم و گنگ است ولی بهر حال این احساس هر چند زیاد واضح نیست ولی درد آور است و تولید دوری و سکوت و نفاق میکند. این مرد مشروب خوردن با دوستان و گپ زدن با همکاران را از حرف زدن با زنش ترجیح میدهد! چرا؟ چون از روبرو شدن با همسرش و در حقیقت مواجه شدن با خواهش ها، تقاضاها و تمناهای او وحشت دارد، وحشت از اینکه برآوردن آن خواهش ها برایش مقدور نباشد.

ولی «بگو که دوستم داری» یک نیاز مردانه هم هست. البته طبیعت زن چنان است که بیشتر به محبت و ابراز عشق نیاز دارد ولی دسته ای از مردها هم عیناً دارای چنین احساسی هستند که البته به طریق دیگری آنرا بیان میکنند، آنها در عوض اینکه بگویند چرا همسرم بمن ابراز عشق نمیکند این چنین شکایت میکنند:

- بهیچ وجه راضی نیستم که همسرم کار کند. در منزل به اندازه کافی کار هست که او را سرگرم کند. دوست دارم وقتی بمنزل میآیم او در انتظارم باشد. بعد از سختی یک روز کار به وجود و محبت او نیاز دارم، او بیش از همه بمن باید رسیدگی کند. از اینکه با خواهرش در معازه ها پرسه بزند یا ساعتها با مادرش تلفنی حرف بزند متنفرم.

در اینجا شاهد تفاوت جالبی بین تلاش زن و مرد برای اطمینان از مورد علاقه بودن می‌شویم: مرد سعی دارد مائع خارج شدن همسرش از منزل شود، زن تلاش میکند تا شوهرش را بخانه بکشاند و در هر دو حال چنین است که بگویند: اگر دوستم داری باید چنین و چنان کنی، این را بگوئی، آنرا بخواهی... برای این شوهر غیبت زنش غیر قابل تحمل است، او

همسرش را تمام و کمال برای خودش میخواهد، زن او بهیچ کس و هیچ چیز بجز شوهرش نباید توجه کند. امثال این آقا زیاد است، به نمونه های زیر توجه کنید: - مسعود نمیخواهد همسرش ادامه تحصیل دهد. - هوشنگ با کار کردن همسرش در خارج از منزل شدیداً مخالف است.

- تورج از اینکه همسرش پشت رل بنشیند دیوانه میشود.

- منوچهر اصرار دارد خانمش با تمام دوستان قبل از ازدواج خود قطع رابطه کند.

- پرویز عصبانی است زیرا همسرش در یک کلوب تنیس نام نویسی کرده است.

راستی این شوهرها از چه نگرانند؟ ساده است! آنها نگران از دست دادن همسر خود هستند. بنظر آنها زنی که حقیقتاً شوهرش را دوست دارد بدون شراکت او هیچ کاری نباید انجام دهد و هر شادی یا لذت انفرادی بر او حرام است چون ممکن است به این ترتیب عشق و علاقه او کاهش یابد و کمتر به شوهرش توجه کند!

جمله «بگو دوستم داری» شوهر به دو روش دیگر بیان میشود: «هر وقت بتو احتیاج دارم در کنارم باش» و «بگو که بمن احتیاج داری» پس بطوریکه ملاحظه کردید شوهرها هم از این امر مستثنی نیستند فقط روش آنها در طلب محبت تفاوت دارد. البته این واقعیت را نیز معترفیم که زنها رمانتیک تر از مردها هستند و بهمین جهت نیاز آنها به شنیدن جملات عاشقانه بیشتر است. از طرف دیگر موفقیت شغلی نیم بیشتر زندگی مرد را پر میکند و در نتیجه او آنقدرها در بند مکالمات عاشقانه نیست، در صورتیکه اکثر خانمها تمام روز خود را در منزل میگذرانند و انتظار شوهر خود را میکشند تا با محبت های خود خلاء زندگی‌شان را پر کنند و وقتی اوضاع مطابق میلشان پیش نمی‌رود سرخورده و عصبی میشوند و این عصبانیت و دلخوری به بستر زناشویی آنها هم کشانده میشود زیرا جسم و روح زن شدیداً بهم مرتبط است در حالیکه مرد این چنین نیست و یک شوهر در دل خود این مسئله را اینطور حلّاجی میکند:

- زن بمن ایراد میگیرد که به اندازه کافی به او لطف و محبت ندارم ولی راستش را بخواهید من بتدریج به این نتیجه رسیده ام که این بهانه ای بیش نیست و بطور کلی برقراری روابط جنسی برای او ناخوش آیند است. بارها و بارها برسر این مسئله با هم صحبت کرده ایم و او همیشه تکرار میکند که اگر پیش درآمد ناز و نوازش و ابراز عشق یا بقول خودش «آمادگی قبلی» در کار نباشد قادر به انجام وظایف زناشویی خود نیست. مثلاً میگوید اگر در طی روز کمی عصبی باشم و با هم جروبحث کرده باشیم و خلاصه روز چندان دلپذیری را نگذرانده باشیم شب در بستر زناشویی سرد و بی رغبت میشود. برای من چنین منطقی بهیچ وجه قابل درک نیست. به اعتقاد من بهترین راه آشتی کردن و فراموش کردن یک روز بد، عشقبازی کردن شبانه است ...

آیا برای هزارمین بار باز باید به مردها توضیح بدهیم که میل جنسی در اکثر زنها به کندی بیدار میشود؟ (درست برعکس مردها!) در علم روان شناسی محقق شده است که بدون پیش درآمدی از محبت و ناز و نوازش کمتر زنی است که آماده برقراری روابط جنسی باشد! بله زنها پس از یک روز بد و سرشار از تندی و بگومگو آماده عشقبازی نخواهند بود. شما که همسران را دوست دارید باید با جسم و روح او بیشتر از این آشنا باشید تا کمتر با چنین مسایلی مواجه شوید. همیشه بخاطر داشته باشید که دلخوریهای متعدد رویهم انباشته میشود و تبدیل به کینه میگردد و کینه احساسی است کاملاً ضد عشق و میل جنسی. برای فراموش کردن کینه ها و تمایل پیدا کردن به روابط زناشویی هر زنی مهلت لازم دارد، مهلتی که مرد با رفتار محبت آمیز و دلجوئی خود میتواند آنرا کوتاه کند.

ولی زنها هم باید یک واقعیت بزرگ را بپذیرند و آن اینکه مردها برای وصف احساسات خود در قالب کلمات چندان ماهر و ورزیده نیستند، نوعی حیا و کم روئی خاص مردانه آنها را از ابراز محبت در قالب جملات عاشقانه باز میدارد. زیرا مردها اکثر اهل عمل هستند نه حرف. زن باید این حقیقت را بپذیرد.



**دفتر حقوقی**  
**فرید مشیان**  
**وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا**

- \* برنامه ریزی برای کاهش مالیات - تنظیم وصیت نامه و تراست (Trust)
- \* تنظیم تراست برای حفظ دارائی در داخل و خارج از امریکا
- \* امور مالیاتی - دعاوی مالیاتی با IRS - امور مربوط ب مالیات شرکت ها
- \* امور مربوط به مسائل مالیاتی بین المللی - مسائل مالیاتی مربوط به املاک
- \* امور بازرگانی - تأسیس ثبت و انحلال شرکت ها در کالیفرنیا و سایر ایالات امریکا و کشورهای خارجی
- \* تأسیس شرکت با مسئولیت محدود

*Law offices of*  
**FRED F. MASHIAN**

**ESTATE PLANNING**

Wills

Trusts

Asset Protection Trusts

Forein held trust

Probate

Conservatorship

**TAX**

Audits and Tax Disputes with IRS

Corporate Tax

International Tax Planning

Tax Aspects of Real Estate Transactions

**BUSINESS PIANNING**

Incorporation: California, National and International Partnerships

General Partnerships

Limited Partnerships

Jiont Ventures

Limited Liability Companies

2001 Wilshire Boulverd, Suite 505  
Santa Monica, California 90403 - 5640  
Tel: (310) 829 - 6068 FAX: (310) 829 - 6288

در طول ۲۵۰۰ سال آوارگی و بی وطنی، میلیون ها نفر از یهودیان جهان با زجر، شکنجه، ارباب و تهدید - و از ترس جان خود و فرزندانشان مجبور به ترک کیش و آئین خود شده، ادیان دیگری را پذیرفتند. این بخت برگشتگان داغی بزرگ و جانسوز بردل داشتند. داغ دین. ولی بودند عده ای بیشمار از آنانکه گرچه بظاهر تغییر مذهب داده بودند ولی هیچگاه دست از ایمان و اعتقاد خود برنداشته، بجای آنکه در سوک دین خود به ماتم بنشینند در خفا تمام آداب و رسوم و سنتهای مذهب یهود را بجا آوردند. این سرگذشت یکی از آنهاست.



نوشته: ناصر اوهب

## داغ دین

صاحب نام همه برای عرض تسلیت بخاطر درگذشت خانم شوکت بانو مادر آقای امیرخان در این مجلس ختم شرکت کرده بودند. سالن از جمعیت موج می زد و علاوه برآن عده زیادی در راهروها منتظر خالی شدن جا و داخل شدن به اطاق پذیرائی بودند. امیر در تمام مدت جلوی در ورودی ایستاده و با فرود آوردن سر از حضور شرکت کنندگان در این مراسم اظهار تشکر کرده به آنان ادای احترام میکرد. واعظ، روی منبر کوچکی که در قسمت بالای سالن قرار داده بودند نشسته و از نجابت و اصالت و خلق و خوی مهربان

قالیهای ابریشمی گران قیمت سالن پذیرائی خانه مجلل امیر، در زیر نور چلچراغها چشم ها را خیره می کرد. گردآگرد سالن اشخاص متنفذ و سرشناس شهر روی مبل ها و صندلیها نشسته و بسختی واعظ شهیر شهر گوش می دادند. مقامات سازمان امنیت، روسای کلاترپها اعضای اطاق بازرگانی و تجار معتبر و



شوکت بانو صحبت می کرد. از اینکه آن مرحومه همیشه حامی مستمندان بود و دست هیچ نیازمندی را پس نمی زد، از اینکه چنین فرزند لایقی را بجامعه تحویل داده که موجب افتخار و مورد اعتماد تمام تجار و کسبه بازار می باشد. از اعتقاد و ایمان زیاده از حد او و از مراسم روضه خوانی که هر سال در خانه اش بر پا می داشت...

امیر هر چند به ظاهر گوشش بحرفهای سخنران بود، اما در اندرونش، خود را در زیرزمین خانه اش احساس میکرد. درست زیر همین سالن پذیرائی که مردم برای عرض تسلیت گرد آمده بودند، ده پانزده نفر بطور مخفیانه برای شادی روح شوکت بانو مشغول خواندن مینحا و عربیت (نیایش شامگاهی) بودند. اما در عین حال نگران هم بود. حتی تصور اینکه یکی از افراد حاضر در سالن پذیرائی از این مسئله بوئی ببرد، لرزه بر اندام او می انداخت. بهمین دلیل هم به نیایشگران زیرزمین خانه اش سفارش کرده بود که تقیلاً را در سکوت کامل برگزار کرده و جواب آمین را طوری ادا نمایند که صدا به طبقه بالا نرسد. با وجودیکه خوب می دانست که احتیاجی به چنین سفارشی نیست چرا که قرن‌ها بود که هر یهودی دربندی آموخته بود که از ترس جان خود خداوند را با صدای آهسته و در محیطی بسته و زیر لب ستایش کنند.

چند روز قبل، ساعتی پیش از طلوع آفتاب، امیر بصدای مادر پیر و بیمارش سراسیمه ببالینش آمد. مادر که چشم به او دوخته بود، از دیدن یگانه فرزندش لیخنه بیرنگی بر لبانش نقش بست، خود را بزحمت کمی جمع و جور کرد؛ دستور داد بالشی زیر سرش گذاشتند و به پرستار اشاره کرد که از اطاق خارج شود. امیر خان روی لبه تختخواب نشست. دستهای نحیف مادر را در دستهای خود گرفت و با ملایمت آنها را نوازش می کرد. مادر با صدائی که به سختی شنیده میشد باو گفت:

- من خوب می دانم که چیزی به پایان عمرم باقی نمانده و بزودی این دنیا را ترک خواهم کرد. من از مرگ هیچگونه وحشتی ندارم ولی بی نهایت

نگران هستم و نگرانی من از گرفتاریهایی است که پس از مرگ من برای تو بوجود خواهد آمد.

امیر دقیقاً علت نگرانی مادر را میدانست. سالها بود که در این باره فکر کرده ولی هنوز هیچ راه حلی برای آن پیدا نکرده بود.

امیر در یکی از شهرهای بزرگ ایران در یک خانواده یهودی دنیا آمد. سه چهارساله بود که پدرش تصمیم گرفت که به تهران بیاید. مادر با آمدن به تهران مخالف بود ولی کاری از دستش ساخته نبود چون تصمیم تصمیم پدر بود.

پدر امیر مرد نسبتاً ثروتمندی بود و بمجرد آمدن به تهران در یکی از بهترین نقاط بازار حجره ای گرفته و بهمان کار سابق خود یعنی پارچه فروشی مشغول شد.

خانواده امیر را در شهری که می زیستند همه بعنوان مسلمان می شناختند در صورتیکه در محیط خانه بطور مخفیانه تمام مراسم و سنت های یهودی را بجای می آوردند. پدر امیر بعلت جو موجود در بازار روش خود را تغییر نداد و کماکان خود را بهمه مسلمان معرفی میکرد. چند سالی نگذشت که پدر امیر سری توی سرها در آورد و مغازه بزرگتری در دهانه بازار خرید و یکی از تجار سرشناس و معتبر بازار شد و نظر به موقعیت خاصی که داشت کم کم دامنه رفت و آمدش نه تنها با بازاریان بلکه با مقامات اداری و مملکتی نیز زیادتر شد. و در این میانه بیچاره شوکت بانو زنی نبود که بتواند پا به پای او در همه میهمانیها و مراسمی که همسرش دعوت داشت شرکت کند مخصوصاً اینکه پدر امیر همیشه وحشت داشت که مبادا در یکی از این مجالس شوکت بانو سخنی بزبان بیاورد که راز نهفته آشکار شود.

امیر هفت هشت سال بیشتر نداشت که به ناگاه پدرش دختر یکی از روحانیون بزرگ شهر را بعقد و ازدواج خود در آورد و بکلی با همسر اولش شوکت بانو قطع رابطه نمود. ولی از تامین مخارج او و امیر که با مادرش زندگی میکرد و باو علاقه خاصی داشت نه تنها کوتاهی نکرد بلکه خیلی بیشتر از آنچه که

لازمه مخارج زندگیشان بود در اختیارشان میگذاشت. پدر امیر، بدلیل هوش و استعدادی که در پسرش میدید، وضع تحصیلی او را کاملاً تحت نظر گرفته و همزمان بعداز ظهرها او را بمعازه می آورد و تا آنجائیکه میسر بود به او آموزش کسبی داده مسئولیتهائی را هم باو محول می نمود. امیر با اشتیاق فراوان با پدر همکاری

میکرد ولی در مورد مسائل مذهبی بدون چون و چرا از مادر تبعیت می نمود. گو اینکه همه او و مادرش را مانند پدر یک مسلمان معتقد می شناختند ولی او و مادرش تمام آداب و رسوم و سنتهای مذهب یهود را بجا می آوردند.

امیر بیست و چند ساله بود که به شهر زادگاه خود رفت و همسری از میان آشنایان خود انتخاب نمود و پس از چندی به تهران برگشت. پدر با وجودیکه خانواده همسر امیر را می شناخت و می دانست که آنها هم باطناً یهودی ولی ظاهراً بنام مسلمان زندگی می کنند، نه تنها با این امر مخالفتی نکرد بلکه بخاطر حفظ ظاهر مراسم عقد بسیار باشکوهی برای او ترتیب داد و جمعی از تجار و مقامات دولتی و مقامات روحانی را هم بآن مجلس دعوت نمود و چون عروس دختری شهرستانی بود و با کسی آشنائی نداشت کسی زیاد دنبال اسم و رسم و گذشته او نرفت.

وقتی پدرش در گذشت امیر چهل ساله بود و طبق وصیت پدر به ادامه شغل او مشغول شد. طولی نکشید که امانت و صداقت و خوش نامی امیر زیانزد بازاریان شد و در مسائل کسبی میان بازاریان، بیش از هر کس به میانجیگری او تمکین می شد تا جائی که دولت هم اگر پیامی برای بازاریان داشت از طریق امیر بآن ها میرساند.

\*\*\*

امیر خان در این افکار غوطه ور بود که دستان لرزان مادرش شانه های او را تکان داد و گفت:

— همانطور که میدانی من دلم می خواهد بعد از مرگم در میان هم کیشان خودم بخاک سپرده شوم و دلم می خواهد بمدت هفت شبانه روز طبق قانون یهود مراسم یشیوا برایم اجرا شود. میدانم با موقعیتی که تو در اجتماع داری این کار بسیار مشکلی است و من کاملاً نگران این مسئله هستم اینست که نمی توانم با خیال راحت و بدون آنکه برای یگانه فرزندم دلواپس باشم بمیرم.

امیر در حالیکه اشک در چشمانش جمع شده بود بمادرش قول داد که حتماً خواسته او را عملی خواهد نمود و از اطاق خارج شد، به حیاط منزل آمد و



روی نیمکتی که در کنار باغچه بود نشست. سیگاری آتش زد، بان پکی عمیق زد دود آنرا با فشار از سینه خارج کرد، آهی کشید و اشک امانش نداد.

بر او چه گذشته بود. چگونه انسان میتواند بی توجه به اعتقادات ریشه ای اش، یک عمر با تظاهر به آنچه که نیست زندگی کند. برای یک لحظه از پدرش بدش آمد و بلافاصله آرزو کرد که ایکاش در فقر مانده بودم اما ایمانم را اینگونه به بازی نمیگرفتم. وصیت مادر چون کشیده ای بود که او را بیدار کرده بود. آخر برای چه. یهودی نبودن او درست مثل این بود که بگویند درختی تناور همینطور بی ریشه برزمین نشسته. مگر میشد. چه می بایست میکرد؟ با خود اندیشید که در مدت ۶۰ سال عمر خود هیچ مشکلی نبوده که او از عهده حل آن بر نیامده باشد. باید فکرش را متمرکز کند تا بتواند وصیت مادرش را اجرا نماید. از دکتر مادرش جویا شد که چقدر مادرش فرصت دارد، جواب شنید که حداکثر تا غروب همان روز. ناگهان فکری بخاطرش رسید گوشی تلفن را برداشت و شماره ای گرفت. امیر خان از افراد انگشت شماری بود که تلفن مستقیم یکی از صاحب نفوذ ترین تیمساران سازمان امنیت را داشت:

- سلام من امیر هستم.

- سلام امیر خان چه عجب یاد ما کردی، راستی حال والده چطور است؟ انشالله که بهترند.

- متأسفانه حالشان بسیار وخیم است و امید به بهبودی نیست و بهمین علت تلفن زدم چون کار بسیار مهمی با شما دارم.

- اتفاقاً تصمیم داشتم برای عیادت مادرت بآنجا بیایم. اگر عجله نداری ساعت دو بعدازظهر آنجا خواهم بود.

امیر و تیمسار هر دو با هم در یک محله بزرگ شده و تا دوره دبستان روی یک نیمکت می نشستند. او ترجیح می داد که همه اوقات خود را در منزل امیر بگذرانند و از غذاهای خوشمزه شوکت بانو که بو و طعم آن کاملاً با غذاهای منزل خودشان تفاوت میکرد بخورد. او شوکت بانو را بسیار دوست داشت و احترام فوق العاده ای برای او قائل بود. پس از خاتمه

دوره دبستان تیمسار به مدرسه نظام رفت و امیر بمغازه پدر، ولی هیچگاه رفت و آمد آنها قطع نشد و دوستیشان هر روز عمیق تر می شد تا جائیکه هنگامیکه تیمسار جوانی بیش نبود و تصمیم به ازدواج با دختر مورد علاقه خود گرفت، امیر با سخاوتمندی و علاقه فراوان تمام مخارج عروسی او را متقبل شد. یهوده نبود که تیمسار همیشه خود را مدیون امیر می دانست. ساعت دو بعدازظهر اتومبیل حامل تیمسار جلوی خانه امیر خان متوقف شد. امیر که منتظر تیمسار بود او را در آغوش گرفت و سپس او را به اطاق مادرش هدایت نمود. شوکت بانو به زحمت چشمان خود را باز کرد و با دیدن تیمسار لبخندی به لب آورد و دوباره چشمان خود را بست. تیمسار دستی به سر او کشید و آرزوی سلامتی برای او نمود و سپس با امیر باطاق پذیرائی رفتند. امیر سیگاری به او تعارف نمود و یکی را هم خودش روشن کرد:

- مسئله مرگ مادرم برای من مشکل بزرگی بوجود آورده که جز آنکه از تو کمک بگیرم هیچ راه دیگری بنظرم نمی رسد، اینست که دست بدامن تو شده ام. خودت میدانی که من هیچگاه تاکنون درخواستی از تو نکرده ام.

تیمسار نزدیک بود از کوره در برود.

- این حرفها چیست تو میزنی. احتیاج به توضیح نداری. هر چه از من بخواهی از جان و دل و با کمال میل برایت انجام خواهم داد.

- فکر میکنم کار مشکلی باشد.

- هیچ مشکلی نیست که از عهده من بر نیاید حرفت را بزن.

- اول ناچارم راز بسیار مهمی را برایت بگویم تا متوجه بشوی که مشکلم چیست. مادر من یک یهودی زاده است که بی آنکه خود بخواهد ظاهراً اسلام آورده ولی در باطن مذهب خود را بطور مخفیانه حفظ و نگهداری کرده است. مادر امروز بمن وصیت کرد تا او را در قبرستان کلبی ها بخاک سپارم. تو میدانی با موقعیتی که من در اجتماع دارم چنین کاری برایم در حکم خودکشی است.

تیمسار که اکنون متوجه وخامت وضع شده بود

- عرض نکردم امیر جان آنقدر غصه نخور کارها درست می شود. خوشبحال آن پیرزن مفلوک و بی کس و کاری که بجای مادرت با چنین مراسم پرشکوه و در چنین محل گرانقیمت و مقدسی به خاک سپرده شد. حتماً خانمی صوابکار بوده است.

روزیکه تیمسار به امیر قول داد که کارها را بعهده او بگذارد و نگران نباشد بلافاصله بدفتر خود رفته و یکی از گاردهای مورد اعتماد خود را به پزشکی قانونی فرستاد و درخواست نمود اگر جنازه ای ناشناس را به پزشکی قانونی آوردند مستقیماً تیمسار را در جریان بگذارند. فردای آن روز دو تن از افراد سازمان امنیت جنازه پیرزن ناشناسی را که به پزشکی قانونی آورده بودند، بنام شوکت بانو شناسائی کرده و اجازه دفن او را که بنام او صادر شده بود همراه با جنازه تحویل خانواده امیر خان دادند. در حالیکه شب قبل از آن جنازه واقعی شوکت بانو ساعت یک بعداز نیمه شب بطور مخفیانه در گورستان یهودیان بخاک سپرده شده بود.

سیگاری آتش زد. او در تمام مدتی که امیر خان صحبت می کرد سکوت کامل کرده و فقط چند بار گفت: «عجب، عجب» وقتی حرف امیر تمام شد، تیمسار گفت:

- امیر جان، میدانی که چقدر مادرت را دوست دارم و باو ارادت می ورزم. این مسئله هیچگونه تاثیری در محبت من نسبت باو ندارد و من هر کاری از دستم ساخته باشد با کمال میل انجام خواهم داد. من برای این مسئله راه حلی دارم.

دو روز بعد ساعت چهار بعداز ظهر جمعیت انبوهی که برای تشییع جنازه و مراسم خاکسپاری خانم شوکت بانو به قم رفته بودند با کاروانی از اتومبیل های آخرین سیستم خود به تهران باز میگشتند. در یکی از این اتومبیل ها امیر و تیمسار در کنار هم نشسته بودند. امیر عینک دودی خود را برداشته و نگاهی به تیمسار انداخت و لبخندی از رضایت بگوشه لبانش نشست. این اولین باری بود که پس از چند روز امیر خان نفسی براحث می کشید. تیمسار گفت:

## موسسه حسابرسی و خدمات مالی

C.P.A. حمید فانی

C.P.A. بیژن رامینه

عضوانحمن حسابداران حیره امریکا وکانون حسابداران حیره کالیفرنیا

بابتش از ۱۵ سال سابقه کار با مؤسسات بزرگ بین المللی

**RAMINEH & FANI**  
**HAMID FANI**  
Certified Public Accountant  
12100 Wilshire Blvd., Suite 635  
Los Angeles, CA 90025  
(213) 447-5500

- مشاوره و برنامه ریزی مالیاتی برای اشخاص و شرکتهای
- تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی
- تهیه صورتهای مالی جهت استفاده مدیریت، بانکها و سایر مؤسسات اعتباری
- ثبت و نگهداری دفاتر مالی و طرح و تنظیم و سرپرستی سیستم های حسابداری
- تنظیم و رسیدگی به برآورد بیش بینی صورتهای مالی اشخاص و شرکتهای
- مشاوره و بررسی در مورد خرید و فروش شرکتهای و اخذ وام

## شما هم می توانید از دست چربی های اضافی بدن خود خلاص شوید

در ۱۵ سال گذشته گروه پزشکی مرکز تحقیقاتی تغذیه Harvard Medical School مسائلی را که افراد چاق در کم کردن و ثابت نگاه داشتن وزن با آن روبرو هستند مورد مطالعه قرار دادند و برنامه جامعی که نتیجه این تحقیقات است، اکنون در کلینیک ما در دسترس شما میباشد. این برنامه شامل مراحل زیر می باشد:

- ۱- اندازه گیری چربی های بدن: با روش جدید Biochemical Impedance Analysis
  - ۲- معاینه پزشکی و چک آپ کامل: شامل آزمایشات تیروئیدی و اندازه گیری چربی های خوب و بد خون
  - ۳- رژیم غذایی مخصوص: (حدود ده هفته) و بدنیاال آن برنامه ای برای مصرف متعادل غذاهای معمولی برای ثابت نگاهداشتن وزن بدن
- در این برنامه تأکید بر از دست دادن چربی های بدن است (نه فقط از دست دادن وزن) و از هیچ دارویی استفاده نمی شود، مگر اینکه اختلالات هورمونی وجود داشته باشد.

DARYOOSH SAMI, M.D., F.A.A.P.

9401 WILSHIRE BLVD., #735  
BEVERLY HILLS, CA 90212

TEL (310) 205-0607

دکتر داریوش سامی



## کیتترینگ کاشربهادر

«اعتبار کیتترینگ های لوس آنجلس»

محفل های گرم و خاطره انگیز خود را با غذاهای خوشمزه و انتخابی کیتترینگ بهادرترین و تکمیل فرمائید.  
بهادر پرسابقه ترین کیتترینگ کالیفرنیا با کادر ورزیده و مدیریت صحیح ارائه دهنده سرویس برتر و کیفیت بهتر به شما و مهمانان عزیز میباشد.

از مشاوره آزادانه با مدیریت بهادر کیتترینگ بهره مند شوید.

(818) 222-6067

۷۱۳۵-۶۰۹ (۸۱۸)

آدرس: 6027 1/4 Reseda Blvd., Tarzana, CA 91356



# کیتترینگ کاشر پرنس



با ما از میهمانان خود چون  
یک پرنس پذیرائی نمائید

خوشمزه ترین و سالمترین غذاهای کاشر با قیمت باور نکردنی  
کادر ورزیده و مجرب ما زیباترین میزهای غذا را تزئین نموده و  
بهترین سرویس را ارائه میدهند

بمدیریت منوچهر مختار

نرخ مخصوص این فصل:

OPEN BBQ

تلفن: ۰۶۰۴ - ۶۰۹ (۸۱۸)

در منزل شما ۱۳۵۵ دالر

فکس: ۰۶۰۰ - ۶۰۹ (۸۱۸)

## سپید و سیاه

حای داستانهای کوتاه از

نوراله خرازی (نوری)

منتشر شد

بنی بریت: گروه فریبرز مطلوب

کلیه وجوه حاصله از فروش این کتاب به مصرف امور

۰۷۸۷-۹۸۶ (۸۱۸)

فرهنگی و خبریه خواهد رسید

اهمیت و نقش توارث در تعیین خصوصیات  
روانی و شخصیت افراد انسانی و ایجاد  
بیماریهای عصبی و روانی

## توارث و خصوصیات فردی

### بخش سوم

چه بدبخت هائی در آن زندان ها محکوم به مرگ  
تدریجی بودند و در حقیقت ساکنین این دیوانه  
خانه های خوفناک و بیماران بدبخت آنجا که اغلب  
هر روز با ضربات شلاق هم تنبیه می شدند از  
ساکنین زندان ها و دو ساق خانه های دیگر  
بدبخت تر بودند.

این وضع قرن ها ادامه داشت تا در سال  
۱۹۴۷ میلادی، یک نفر شیمیست کوتوله و سرطاس و  
دائم الخمر فرانسوی در آزمایشگاهی در پاریس ضمن  
ساختن مواد شیمیائی مختلف یک ماده جدیدی درست  
کرد بنام «کلروپرومازین» (داروهای فرنگان و  
لارگاکتیل مشتقات این ماده کلروپرومازین هستند).  
وقتی این دارو را به بیماران مبتلا به انواع مختلف  
جنون جوانی تجویز کردند، بطور معجزه آسایی از  
شدت بیماری آنها کاسته شد و جلوی رفتار و حرکات  
خطرناک آنها را گرفت و اعصاب آنها را آرام کرد.  
استفاده از این دارو برای معالجه اسکیزوفرنی سرعت  
در سراسر جهان شروع شد و در همه موارد نتایج  
بسیار خوب بود بطوریکه کشف این دارو مبداء تاریخ  
گردید که دیوانه خانه ها را از صورت زندان خارج  
کرد و آنها را تبدیل به بیمارستان کرد و به این  
بیماران بیچاره بصورت بیمار توجه مبذول گردید و  
پزشکان آنها را به چشم بیمار نگاه کردند و به این  
ترتیب درمان تا حدی عوارض شدید این بیماری قابل  
درمان گردید.

البته باید در نظر داشت که بیماران مبتلا به  
اسکیزوفرنی همیشه بصورت افراد خطرناک، قاتل و یا



### الف: بیماری جنون جوانی یا اسکیزوفرنی

شاید خواننده این سطور نتواند تصور کند که  
بیماری اسکیزوفرنی یا جنون جوانی باعث چه جنایات  
بزرگی در تاریخ بشر بوده است مگر وقتی که بفهمد  
که جنایتکارانی مثل آدلف هیتلر، آیشمن و احتمالاً  
نرون امپراطور رم و چنگیز خان مغول همه به این  
بیماری مبتلا بوده اند. از طرفی دیگر، مبتلایان به  
بیماری اسکیزوفرنی بخصوص آنها که نوع شدید و  
تجاوزگر و آزار رسان این بیماری را طی قرون گذشته  
داشته اند، در جوامع بشری به تصور اینکه روح پلید  
شیطان در آنها رسوخ کرده است آنها را مورد ضرب  
و زجر قرار داده و در زندان ها به زنجیر می بستند  
(دیوانه زنجیری) که نتوانند به دیگران صدمه برسانند.  
آنهایی که در سنین میان سالی هستند حتماً دیوانه  
خانه های (دارلمجانین) ایران را بیاد می آورند که

آزارگر نیستند. شکل هائی از این نوع بیماری جنون وجود دارد که فرم ساده آن هستند و مبتلایان به این نوع جنون بصورت افراد ساکت، بی استعداد، بی مصرف، بیکار، ولگرد و بی خانمان در گوشه و کنار دیده می شوند که با خود حرف می زنند به نظافت خود و دنیای اطراف خود توجهی نمی کنند. در مورد ارثی بودن بیماری اسکیزوفرنی گرچه تلاش وسیع پژوهندگان هنوز بجائی نرسیده است که ژن یا ژن های مشول ایجاد این بیماری را دقیقاً بشناسند و محل آنرا روی یک کروموزوم معین تعیین کنند و طرز کار ژن و محصول ژن را روشن کنند ولی دلایل قاطعی بدست آمده است که نشان می دهد که عامل ارث و معایب ژنتیکی رل اصلی را در ابتلای به این بیماری بازی می کنند. مثلاً اینکه اولاً مبتلایان این بیماری در بعضی فامیل ها و وابستگان درجه اول و دوم آنها بیشتر از آن چیزی است که در یک جمعیت پراکنده و فامیل های غیر منسوب بهم دیده می شود - ثانیاً در مطالعات وسیعی که در جمعیت کشورهای اروپائی و آمریکائی روی خانواده هائی که دارای فرزندان اصلی و فرزند خوانده هستند (که همه تحت یک شرایط و تربیت بزرگ شده اند) انجام گرفته مشاهده شده است که وقتی یک فرزند مبتلا به بیماری اسکیزوفرنی تشخیص داده شود، فقط این بیماری در پدر و مادر و یا برادر و خواهر اصلی که از پدر و مادر یکی باشند دیده خواهد شد نه در آنها که فقط با هم بزرگ شده اند. این مطلب را در این نوشته قبلاً به تفصیل شرح داده ام که عوامل محیطی و تربیتی در یک خانواده تاثیری در ایجاد بیماری اسکیزوفرنی ندارد.

دوم: از طریق مطالعه دوقلوهای یک تخمکی و دو تخمکی که باز در قبلاً اصول آن را ذکر کردیم می شود تأثیر و اهمیت ژنهای معیوب را در ایجاد بیماری جنون مدلل ساخت زیرا دیده شده است که وقتی دوقلوها یک تخمکی هستند، همه ژنهای آنها با هم شبیه است. اگر در دوران جوانی یکی از این دوقلوها مبتلا به اسکیزوفرنی بشود دوقلوی دوم هم به این بیماری مبتلا خواهد شد. در صورتیکه در

دوقلوهای دو تخمکی که از دو نطفه جداگانه بوجود آمده اند تمام ژن های این دوقلوها با هم یکی نیستند و یکی از آنها احتمال دارد ژن معیوب را به ارث نبرده باشد و وقتی بزرگ شدند یکی که دارای ژن معیوب است مبتلا به اسکیزوفرنی می شود ولی دومی سالم باقی میماند. مطالعاتی که روی هزاران خانواده که دارای فرزندان دوقلو بوده اند انجام شده این مطالب را کاملاً ثابت کرده است.

با بررسی خانواده هائی که در آنها اسکیزوفرنی به ارث رسیده است محاسبه کرده اند که اگر در یک خانواده یک نفر مبتلا وجود داشته باشد ۱۵ درصد احتمال دارد که یکی از خواهر یا برادرهای این بیمار باز مبتلا به بیماری جنون باشند. اگر یکی از والدین مثلاً پدر و مادر فقط مبتلا به اسکیزوفرنی باشند باز احتمال دارد که ۱۵ درصد از فرزندان آنها دچار بیماری شوند (یک نفر از هر هفت نفر فرزند). و اگر هر دو پدر و مادر مبتلا به بیماری جنون باشند ۴۰ تا ۷۰ درصد فرزندان آنها به این بیماری مبتلا خواهند بود. بستگان درجه دوم این بیماران مثل پسر عموها دختر عموها، خاله زاده ها عمه زاده ها و دائی زاده ها نیز ۲ درصد احتمال داشتن ژن بیماری را دارند.

سوم اینکه: پژوهنده گان برای پی بردن به محل ژن مولد بیماری اسکیزوفرنی که روی کدام کروموزوم قرار دارد یک علامت و یا نشانه یا شاخص ژنتیکی را جستجو می کنند که شاید این نوع شاخص، آنها را به محل ژن بیماری زا راهنمائی کند. مثلاً یک ژن شناخته شده دیگری را که همسایه و هم جوار ژن اسکیزوفرنی باشد پیدا کنند و بعداً در همسایگی این ژن شناخته شده بدنبال ژن بیماری جنون میگردند. این روش که تحت عنوان «پیوند و همسایگی ژنتیکی» نام گرفته است در ده سال گذشته به پیدا کردن بسیاری از ژن های ناشناس و بیماری زا کمک کرده است و به مصداق ضرب المثل معروف «بگو دوست و همسایه ات کیست تا بگویم کیستی» می توان آدرس یک ژن ناشناس را از روی آدرس دوست و همسایه اش پیدا کرد. اتفاقاً وقتی افراد



دارد و احتمال وجود این عارضه در بستگان درجه اول و دوم بیمار نیز خیلی بیشتر از آن چیزی است که در افراد غیر فامیل و غیر وابسته وجود دارد. در این مورد نیز محل ژن معیوب بیماری دقیقاً شناخته نشده است ولی شواهدی در دست است که ژن مسئول بیماری روی کروموزوم شماره ۱۱ قرار گرفته است.

### ج: معایب شخصیتی

معایب شخصیتی بصورت تجاوزگری به حقوق دیگران بزور و یا بوسیله حقه بازی، عدم قدرت سازش با دیگران، و یا بی ثباتی شخصیت فرد در برخورد با مشکلات که شخص مبتلا که در حال عادی بنظر سالم و طبیعی و متعادل بنظر می رسد در موقع برخورد با مشکلات و تضادها با افراد، کنترل خود را از دست داده و اعمال خلاف انجام داده و حتی مرتکب جنایت می شود. روان شناسان دلایل بسیار دارند که این نقیصه نیز زمینه خانوادگی و ارثی دارد و مبتلایان در خانواده های بخصوصی خیلی بیشتر وجود دارند.



مبتلا به بیماری اسکیزوفرنی را که عضو یک فامیل و یا فرقه هستند تحت آزمایش ژنتیکی قرار داده اند، بیک نوع تغییر ژنتیکی برخورد کرده اند که در روی کروموزوم شماره ۵ انسان وجود دارد. این تغییر ژنتیکی در هیچکدام از افراد سالم این فامیل ها دیده نمی شود و فقط در افرادی وجود دارد که دچار بیماری اسکیزوفرنی بوده اند. امید اینست که وقتی این شاخص و ژنتیکی و علامت شناسائی ژن معیوب در بیماران دیگر مبتلا به جنون تایید گردید از آن برای وسیله تشخیص آزمایشگاهی روی افراد مختلف و جنین های مشکوک به بیماری استفاده شود و با یک آزمایش خون بتوان افراد مستعد به بیماری جنون را تشخیص داد.

### ب - بیماری افسردگی توام با مانی

بیماری دیگری که باز تا اندازه ای در اجتماعات وجود دارد افرادی هستند که بطور متناوب دچار حالت افسردگی و بعد از آن حالت پر حرکتی و خود بزرگ بینی و بلند پروازی می شوند مثلاً چند هفته افسرده هستند و چند هفته بعد مغرور و خودبزرگ بین در هر دو مرحله بیماری، خطر خودکشی و آزار دادن دیگران وجود دارد. خوشبختانه درمان های موثری اکنون برای این عارضه ها وجود دارد ولی آنچه مورد نظر ماست اینست که این بیماری روانی نیز زمینه خانوادگی و ارثی بسیار قوی

**G.S.C.**

GENERAL SERVICES CENTER OF CALIFORNIA

**مرکز خدمات عمومی در کالیفرنیا**

به شما یاری می دهد

**بیش از ۱۰ وکیل پایه یک دادگستری در ایران**

کلیه امور حقوقی و اداری شما در ایران انجام می دهند

**حل مسائل خانوادگی، معاملات املاک، تخلیه، افزایش اجاره**

انحصار وراثت، دریافت حقوق بازنشستگی و غیره

لطفاً به ما مراجعه فرمایید

(۳۱۰)

۶۳۵ - ۰۰ - ۴۴۱ فکس ۴۴۱ - ۰۰ - ۴۴۱ تلفن

2035 WESTWOOD BLVD., # 209 L.A. CA. 90025



## دکتر ایرج ابرامی

### دندانپزشک

قبول کلیه خدمات دندانپزشکی

تمام بیمه های دندانپزشکی قبول میشود و برای افرادی که بیمه

ندارند تسهیلات مخصوص در نظر گرفته میشود

اورنج کانتی

انسینو

1125 E. 17th St. Suite N 555  
Santa Ana, CA 92701  
(714) 543 - 7770

تلفن های ۲۴ ساعته

16311 Ventura Blvd., Suite 640  
Encino, CA 91434  
(818) 905 - 8337

CB COMPUTER BOY



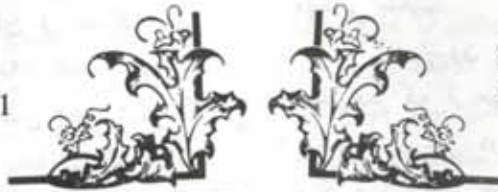
با مدیریت بنی امین زاده

فروش و تعمیر انواع کامپیوتر، پرینتر، فکس و ماشین کپی با قیمت های رقابت ناپذیر

فروش نرم افزارها و برنامه های پزشکی، بیمه، حسابداری و نامه نگاری

آموزش برنامه های کامپیوتری در کوتاهترین مدت

8715 Wilshire Blvd.,  
(Cross Road Robertson)  
Beverly Hills, CA 90211



Tel: (310) 854 - 0566  
Fax: (310) 659 - 4665

## دکتر عزیزاله نورمند

### استاد سابق دانشگاه

دارای برد تخصصی بیماریهای کودکان از امریکا

عضو کادر پزشکی بیمارستانهای سیدر سینای، سنت جونز،

سانتامونیکا و تارزانا

انسینو

سانتامونیکا

16542 Ventura Blvd., Suite 501  
Encino, CA 91436  
(818) 905 - 5552

تلفن های ۲۴ ساعته

2001 Santa Monica Suite 865 W  
Santa Monica, CA 90404  
(310) 829 - 3311

# اخبار سازمانها

## فدراسیون یهودیان ایرانی

\* همانطور که در شماره قبل به اطلاع خوانندگان گرامی رسید، بنا بدعوت فدراسیون یهودیان ایرانی، سه تن از استادان دانشگاه تل آویو - وابسته به مرکز مطالعات موشه دایان، در تاریخ ۵ فوریه ۱۹۹۴ در یک گردهمایی بزرگ در سالن ساینای تمپل سخنانی ایراد نمودند. از جمله این سه نفر پرفسور دیوید منشری پژوهشگر ارشد ایرانی تبار این مرکز بود. در این شماره شوفار نوشته ای از استاد منشری که اساس سخنرانی ایشان در این گردهمایی بود را به زبان انگلیسی و فارسی میخوانید.

\* در طول سالهاییکه هزاران تن از یهودیان ایرانی در کالیفرنیا جنوبی سکنی گزیده اند، مردم ما با برپائی سازمانهای مختلف اجتماعی (که هر یک در حد توانائی و امکانات خود پاسخگوی بخشی از نیازهای ما بوده است) باعث سازمان دادن و تحرک دادن به نیروهای مردمی در راستای احتیاجات جامعه بوده اند.

از میان ما در لوس آنجلس شاهد شکل گرفتن سه مجتمع بزرگ عضو فدراسیون بوده ایم که رسالت آن تامین نیازهای مذهبی مردم ماست: مجتمع های فرهنگی بنه امونا، ارتص و نصح ایسرائل. با توجه باینکه در بخش اخبار سازمانها، شما خوانندگان عزیز مرتباً در جریان فعالیتهای این سازمانها قرار داده میشوید، ما در اینجا از تکرار آن خودداری می ورزیم - اما در اینجا لازم است که توجه مردم جامعه ما به موضوعی که بسیار در خور اهمیت است جلب شود.

مجتمع های فرهنگی نصح ایسرائل و ارتص، با صرف هزینه های قابل توجه و کمکها و فداکاریهای تعداد زیادی از خدمتگزاران مردم سالار جامعه ما، موفق به تأسیس سالنهای اجتماعات مجلل و زیبایی شده اند و همانطور که شاید همه شما خوانندگان مقیم کالیفرنیا مشاهده نموده اند، کیفیت و سرویس غذا و همچنین

قیمت های این سالنها بمراتب از سالن های دیگر مقرون به صرفه تر است و همچنین از لحاظ رعایت مقررات کثروت صد در صد قابل اطمینان میباشد.

متأسفانه، در موارد متعددی مشاهده میگردد که همکیشان ما - دانسته یا ندانسته، از امکان دیگری برای برپائی جشن ها یا دیگر مراسم مذهبی خود استفاده میکنند بی آنکه توجه داشته باشند که در این سالن ها که متعلق به خود آنهاست میتوانند با سرویس بهتر و از لحاظ کثروت قابل اطمینان تر، عین همین مراسم را بر پا دارند.

این مراکز، همانطور که گفته شد، مال همه ماست و کاری که بعضی از همکیشان می کنند مثل اینستکه ما در خانه خود همه امکانات پذیرائی از گروهی را داشته باشیم (بی آنکه لازم باشد خودمان بقول معروف دست به سیاه و سفید بزنیم) آنوقت برویم در سالن خانه بغلی با پرداخت هزینه ای هنگفت یک مهمانی بدهیم.

فدراسیون یهودیان ایران از کلیه همکیشان خود میخواهد که از مهمانداران کلیه گردهمایی هائی که درخارج از این دو مجموعه متعلق به خودشان انجام میگردد بپرسند: چرا در خانه خودمان نه؟

## کنیسای بنه امونا

\* کمیته بانوان کنیسای بنه امونا یکی از سازمانهای بسیار فعال جامعه میباشد که اهم فعالیت خود را رسیدگی به خانه های سالمندان و کمک به سالمندان ایرانی که در خانه های پیران زندگی میکنند قرار داده است.

اعضای این کمیته با کمک مالی کنیسای بنه امونا هر هفته به خانه های پیران رفته ضمن بردن نهار گرم و دلجوئی از این سالمندان، به آنها برای رفتن نزد پزشک یا گردش در پارکهای عمومی کمک میکنند. در آخرین جلسه این کمیته که در روز سه شنبه ۱۵

داخلی، بلیط برای ورود به مکانهای مورد بازدید، حمل و نقل از فرودگاه به هتل و تمام هزینه ها ۱۸۰۰ دلار میباشد.

سرپرستی گروه با آقای دکتر یوسف حکیمی و مربیان با تجربه اسرائیلی است.

شرکت کنندگان لازم است گذرنامه معتبر اقلاً برای مدت ۶ ماه داشته باشند.

برای کسب اطلاعات و ثبت نام به دفتر مجتمع فرهنگی نصح اسرائیل به شماره تلفن ۳۳۸ - ۴۵۳ (۳۶۰) با آقای یاحید تماس حاصل فرمایید.

### سازمان هداسا - گروه حیفا

• نمایشنامه استر، دختر ایگال نوشته و با کارگردانی چهره سرشناس تئاتر، شهرام بروخیم در تاریخ ۱۶ آوریل ۱۹۹۴ در سالن مدرسه هورسمن در بورلی هیلز بروی صحنه خواهد رفت.

شهرام بروخیم و یارانش بیش از چهار ماه است برای بروی صحنه آوردن این نمایش مشغول تمرین هستند. نمایش استر دختر ایگال به گفته نویسنده آن «فقط داستان دختری فداکار و یا واقعیت نجات قومی از چنگال هامن نیست، بلکه قصه ای انسانی است با طنزی اجتماعی که گفته های آن با زمان حال تطبیق داده شده است».

مارچ در دفتر فدراسیون یهودیان ایرانی برگزار گردید مقرر شد که در روز دوشنبه دوم عید نوروز تمام سالمندانی که در خانه های مختلف پیران بسر میبرند به خانه سالمندان گلدن ایچ آورده شده راهنمایی و ضمن انجام مراسم عید از همه آنها پذیرائی و هر کدام از آنها هدایائی داده شود.

هئیت امنای کنیسای بنه امونا ضمن تشکر و سپاسگزاری از فعالیت خانمهایی که چنین فعالیت مقدس را بر عهده گرفته اند لازم میدانند از موسسه کیتزینگ شارون که در انجام برنامه به کمیته کمک کرده است صمیمانه تشکر مینماید.

### مجتمع فرهنگی نصح اسرائیل

سازمان فرهنگی و تربیتی نصح اسرائیل با همکاری سازمان های فرهنگی اسرائیل امسال هم طبق روال همه ساله تعدادی از نوجوانان ۱۴ تا ۱۷ ساله را برای آشنائی به فرهنگ یهودی و اصالت آن به کشور اسرائیل اعزام مینماید.

تاریخ: از ۱۸ جولای تا ۷ آگوست ۱۹۹۴ میباشد. برنامه ها: بازدید از نقاط دیدنی، آشنائی با تاریخ یهود، دیداری از دانشگاهها و اساتید، ملاقات با اعضای پارلمان و غیره. آخرین مهلت ثبت نام ۲۲ ماه آپریل میباشد. قیمت این تور برای هر نفر: شامل بلیط هوایما، هتل، غذا، تورهای داخلی، کلاسهای مختلف، بیمه پزشکی



## نصرت مختار زاده (آیزی)

مشاور مورد اعتماد شما در امور املاک

Senior Commercial Investment Consultant

متخصص در خرید و فروش:

املاک تجاری و معاوضه های مالیاتی 1031 - آپارتمان بیلدینگ - مسکونی

در مناطق لوس آنجلس، بورلی هیلز و حومه بورلی هیلز

The Prudential  
California Realty

(Beverly Center Branch)

8128 West 3rd. St. Los Angeles, CA 90069

(213) 653-9970 Ext. 226 (Isaac)

## دکتر ایرج قدیسه

متخصص بیماریهای داخلی از فرانسه - با سابقه ۲۶ سال

سابقه طبابت در ایران و امریکا

### پزشک خانواده

\* چک آپ کامل \* رادیو گرافی \* فیزیکیال تراپی \* آزمایشگاه \* گواهی ازدواج \* واکسیناسیون

کودکان - بزرگسالان - سالمندان

در منطقه هالیوود

در شهر سانتامونیکا

221 Lincoln Blvd., Suite 200  
Santa Monica, CA 90405

Tel: (310) 463 - 7262

Tel: (310) 396 - 9999

قبول اکثر بیمه ها - پذیرائی با تعیین وقت قبلی

## دکتر بهروز بروخیم دکتر بنجامین (بهنام) بروخیم

جراحی استخوان و مفاصل - ارتروسکوپی

Orthopedic Surgery

436 N. Bedford Dr. #303  
Beverly Hills, CA 90210

(310) 859 9196

10767 Riverside Dr  
North Hollywood, CA 91602

(818) 980-8881

## دکتر لیدیا حکیمزاده

### دندانپزشک

درمان بیماریها و لثه و جراحی لثه

درمان بیماریهای ریشه دندان (روت کانال)

ساخت روکشهای چینی و پروتزهای ثابت و متحرک

ترمیم دندانهای شکسته و دندانپزشکی زیبایی (باندینگ)

دندانپزشکی کودکان و پیشگیری از پوسیدگی دندانها

16550 Ventura Blvd., Suite 320  
Encino, CA 91436

(818) 784-2414

قبول بیمه های دندانپزشکی

# ضد یهودیگری

در جستجوی ریشه ها و انگیزه های  
ستیزه جوئی با یهودیان

۱۲. ضد یهودیگری در ایران

دکتر هوشنگ ابرامی



## ■ یادداشت ناشر

این داستان واقعی است، و بر اساس مدارک مستند نوشته شده، و هدف نویسنده آن (نجیب الکیلاسی) نمایاندن گوشه‌ای از جنایات صهیونیست‌هاست. حقه و کینه صهیونیسم نسبت به اسلام و مسیحیت بر کسی پوشیده نیست، و تاریخ شاهد توطئه‌های بیشمار این قوم علیه ادیان بر حقی است که پیامبر عظیم‌الشان قوم یهود حضرت موسی (ع) خود نیز بر استمرار آنها تأکید ورزیده است. امید است کتاب حاضر نقشی روشنگر - هرچند کوچک - در افشای توطئه‌های صهیونیسم بین‌الملل علیه ادیان الهی ایفا نماید.

خون برای فطیر مقدس □ ۹

بار دیگر پنج اصل کلی را اساس بررسی یک حیطة جغرافیائی قرار میدهم و این بار ایران را بر می‌گزینیم. اصول پنجگانه را مرور کنیم.

۱ - هیچ گروهی با گروههای دیگر کاملاً همساز و سازگار نیست و هر گروه از دیگر گروهها در درجه های بسیار گسترده نفرت دارد.

۲ - گروهها هر چند بهم نزدیکتر باشند احتمال نفرتشان از هم بیشتر و امکان برخوردشان با هم افزونتر است.

۳ - در مقابله گروهها شکست با گروهی است که در اقلیت است و در نتیجه ضعیف و ناتوان.

۴ - پایه و زمینه حملات ضد یهودیگرانه، نفاق و جنگ و دشمنی گروههای غیر یهودی با یکدیگر است.

۵ - در حملات وسیع و سبانه ضد یهودیگری، آتش را حاکمان و فرمانروایان بر می‌افروزند و نه توده مردم. عموماً نفرتها برنامه ریزی شده و براساس دستور و فرمان است.

و تکرار کنیم که اصول بالا را از اینرو بعنوان محک نفرت و دشمنی بکار می‌بریم تا ببینیم آیا بدخواهی نسبت به یهودیان ناشی از وجود خود آنان و اعمال و افکار و بدکاریهای آنانست یا علل و اسبابی خارج از وجود آنان در میانست که در قالب چند قاعده کلی و همگانی قرار می‌گیرد، قواعدی که می‌توان آنها را به ادیان و مذاهب و فرق و مسالک دیگر نیز تعمیم داد.

بر رویهم مطالعه و بررسی تاریخ یهود در ایران کاریست بسیار بغرنج، پیچیده و دشوار. چرا که در چنین تاریخی فراز و نشیب‌ها بسیار فراوانند و خیلی از واقعیت‌ها در غبار زمان گمشده‌اند و گاه به افسانه‌های عامیانه پیوسته‌اند.

تاریخ خود ایران، جدا از مسئله یهود و یهودیائی که در آن زیسته‌اند، جمع‌اضداد است. ایران جزئی از خطه ایست که آنها گاهواره تمدن انسانی خوانده‌اند. ایران را بخاطر منشور آزادی کوروش زادگاه برابری و یگانگی و پیوستگی ملتها دانسته‌اند. ایران را در قرونیه که مردم اروپا در جهل و فقر و

مرض دست و پا میزدند، مرکز علم و حکمت و فلسفه و نجوم و ریاضیات شناخته‌اند تا آنجا که وقتی در اروپا اولین مدارس پزشکی تاسیس شد سالهای دراز ترجمه کتب ابن سینا در آنها تدریس می‌گردید. ادبیات غنی و گوهر بار ایران را دریائی از عشق و صفا و زیبایی و بلند طبعی و انسانیت شمرده‌اند و مردم ایران را مظاهری از عاطفه و دوستی و گذشت و ... و همه اینها تا آنجا که به اغراق و فخر میان تهمی آلوده نشود حقایقی است انکار ناپذیر. اما همین ایران خوب و نازنین، میدان کارزار و کشت و کشتار آدمیان هم هست تا بدان حد که تاریخ سیاسی اش صحنه‌ها و حوادثی دارد که بازگو کردن آنها انسان را با ناباوری روبرو می‌کند.

ایران زیستگاه اقوام و قبایل و گروه‌های گوناگون است. ترک و تاتار و کرد و لرو فارس و عرب و بلوچ و گیلک در آن زیسته‌اند. ایران کانون بسیاری از مذاهب است. در کتاب «تاریخ ادیان» فصل «ادیان ایرانیان» فصلی است مفصل. این سرزمین از «زرتشت» تا «سید علی محمد باب» شاهد زایش مذاهب بسیار بوده است. نه تنها پیش از اسلام ادیائی چون «مزدک» و «مانی» و «میترا» از ایران برخاستند، پس از اسلام نیز شاخه‌های متعددی از دین اسلام در این خاک پدید آمد. اما امروز نه نشانی از آنانست و نه اثری از اینان.

تعدد گروههای اجتماعی و مذهبی و ناسازگاری آنها با هم و کینه و نفرت شدیدشان از هم، ایران - همان دیار خوب انسانهای پاک وارسته - را به چنان کشتارگاهی از آدمیان بدل کرده که بعضی از صفحات تاریخ سیاسی آنها به سیاهی کشانده است (اصول او ۲): تاریخی آنچنان سیاه که ایرانی ایراندوست از ته دل آرزو می‌کند که ایکاش نبود و ایکاش اینهمه کینه توزی و نفرت و آدمکشی در زادگاهش وجود نداشت. اما وجود دارد و بسیار متعدد هم وجود دارد.

حملات اعراب و مغولان و تاتارها بکنار. در خود ایران نفرت عمیق گروهها از یکدیگر و برخورد آنها با هم چنانست که بارها و بارها موجب قتل و کشتار آدمها میشود. انوشیروان دادگر که درباره

# خون برای فطیر مقدس

نوشته نجیب کیلانی  
ترجمه عیسی مفتی زاده  
بازنویس: علی مؤذنی

بخصوص دولتیان استبداد خواه با مردم ساده آزادیخواه به جایی رسید که شقه کردن آدمها فقط یک نوع از اعمال غیر انسانی بشمار میرفت و اگر عکسهای تاریخی آندوره نبود، شاید نمیشد اینگونه انتقامجویی میان گروهها را باور داشت. و بعد از مشروطیت نیز مبارزه میان دو گروه نظامیان و مذهبیون و کینه ورزی آنها از هم همچنان ادامه یافت.

در یک چنین محیطی که تقریباً در همه دورانهایش دشمنی گروههای آن با هم، بار آورنده آدمکشی و انتقامجویی و خونخواهی است، از آغاز تاریخ مدون آن تا به امروز، گروهی از قوم یهود را هم جای دهید و سیر نفرت از افراد آنها مطالعه کنید - آیا سئوالهای دشوار و در ابهام مانده، اینجا و آنجا در ذهن نمیرویند؟ چه میشود که با وجود اینهمه نفرتها و خونریزیها بین گروههای داخل ایران قوم یهود میماند و هر بار کوچکترین آزادی پیدا می کند به پیشرفتهائی چشمگیر هم میرسد؟ آیا این نشانه آنستکه در ایران کسی را با یهودیان کاری نبوده است؟ آیا قبول چنین باوری خوشباوری بسیار نمی خواهد؟ و اگر بوده است پس قبور «استرومردخای» و «سارح بت آشر» و «دانیاال نبی» در این سرزمین چه می کنند؟ مگر ایران، اسرائیل ثانی است؟

از چه روی - بعنوان مثال - مزدکیان که شعبة ای از زرتشتیان بودند بدست خود زرتشتیان ریشه

عدالتش داستانهها گفته اند از مزدکیان کینه بدلی می گیرد و به یاری هوادارانش چنان به آنها می تازد که در مدتی کوتاه مزدک، موبد بزرگ، بانی آئین جدید و دهها هزار تن از پیروان او که از عامیان تا دولتیان را در بر می گرفت از دم تیغ می گذراند و مسلک مزدک را یکجا از صحنه روزگار محو می کند. نظیر همین بلا بر سر مانویان و میترائیان آمد و از آنها جز یاد چیزی در تاریخ نماند.

نادرشاه که وجودش از افتخارات بزرگ ایرانیانست از سرهای بریده گروه های مخالف مناره میساخت؛ کاری که در ایران رسم فاتحان و گروههای زورمند و چیره بود. خصومت و کینه ورزی «زندیان» و «قاجاریان» به آن حد بود که صحنه هائی شرم آور پدید آورد و مثلاً کریمخان زند، آغا محمد خان قاجار را مقطوع النسل کرد و آغا محمد خان هم وقتی بر تخت نشست با دستهای خودش چشمهای لطفعلی خان زند را از حدقه بیرون کشید و او را در تهران به دار آویخت. و همین آغا محمد خان چه فجایعی را که بار نیاورد. در کرمان، کانون زندیان، هزاران جفت چشم مردم بیگناه را در آورد و دهها هزار تن از اهالی شهر را صرفاً بخاطر همشهری بودن با لطفعلی خان کردن زد.

در آغاز انقلاب مشروطیت کار مبارزه گروهها،



کن میشوند (اصل ۲) اما یهودیان ایران در همان زمان بکلی تارومار نمی‌گردند؟ در این دریای توفانی و بالا و پائین آمدنهای امواج هولناک تاریخ ایران که کمتر زمانی روی آرامش بخود دیده تاریخ ضد یهودیگری را چگونه می‌توان شناخت؟ پاسخ به این پرسش کاریست نه چندان آسان. اما ما چنانکه گفته ایم در پی نوشتن تاریخ نیستیم. وگرچه ناگزیریم به پاره ای از رویدادها، به اختصار اشاره کنیم اما با رشته مداوم آنها کاری نداریم. به دو دوره از ضد یهودیگری در ایران که بیشتر مورد بحث بوده است نظری کوتاه بی‌اندازیم؛ دوره صفویان و دوره قاجاریان.

روی کار آمدن صفویان تقریباً مقارن است با سقوط اسپانیا بدست مسیحیان و پایان گرفتن دوره زرین تاریخ یهود در قرونیکه این سامان در دست مسلمانان سنی مذهب بود. نیز این زمان آغاز دوره ایست که دیو استعمار نفیر کشان در کشورهای آسیائی و افریقائی و قاره تازه کشف شده امریکا چنگ می‌اندازد. اروپائیانی که از دیر باز جای پائی از خود در ایران داشتند یکباره فعالیت خود را در این دیار صد چندان می‌کنند و در این میان انگلستان و پرتغال و ایتالیا و اسپانیا و فرانسه و دیگر کشورهای استعمارگر، برای نفوذ در ایران به رقابت می‌پردازند. سیل سیاحان و تاجران اروپائی و در واقع جاسوسان و ماموران گماشته شده به ایران سرازیر میشود. اینان همان مسیحیان اواخر دوره قرون وسطایند که افکار زهر آگیشان را درباره یهودیان به ایران آورده اند. از همین زمانست که شایعه پوچ و ابلهانه آدمکشی و خون و فطیر که چند قرن پیش از آن در اروپا رواج یافته بود در ایران نیز باب میشود. علاوه بر جهانگردان و بازرگانان، نمایندگان سیاسی مسیحی نیز از اروپا به ایران راه پیدا می‌کنند و گذشته از آن دستگاه پاپ نیز در ایران نفوذ می‌یابد. پناه دادن ارمنه، یکی از نتایج همین نفوذ ممالک مسیحی در ایران زمان صفویه است.

میدانیم که مسیحیت مستقیماً زاده خود یهودیت است و گو آنکه در اسلام بسیاری از احکام و اصولی که مسیحیت آنها رد کرده بود (نظیر مراسم ختنه و حرام بودن گوشت خوک) احیا شد اما دین

مسیح بمراتب به دین یهود نزدیکتر و در واقع شعبه ای از آنست. از همین روی دشمنی مسیحیان با یهودیان خیلی قویتر، شدیدتر و کینه جویانه تر از عداوت مسلمانان با یهودیان بوده است (اصل ۲) بر همین اساس وقتی ممالک مسیحی در ایران ریشه دواندند افکار تعصب آمیز آنها نیز روغنی بود که بر آتش ضد یهودیگری ریخته شد.

آغاز یهودی دشمنی در ایران همزمان با دوره صفویه نیست و از راه کتاب آسمانی خود میدانیم که این پدیده قرنهای پیش از آن در ایران وجود داشته و در ادوار دیگر تاریخ ایران نیز ضدیت با یهودیان رایج بوده. نهایت آنکه زمانی این ضدیت که گاه به قتل عام هم می‌پیوسته بناگاه به محبویت و امنیت بدل میشده. اما در سراسر دوره صفویان قوم یهود در اضطراب و ناامنی و وحشت بسر برد. از شگفتی‌ها آنکه اصفهان که از زمان زرتشت مرکز تجمع یهودیان بوده و آنرا در دوره اسلام «دارالیهود» می‌نامیدند بعنوان پایتخت کشور برگزیده شد و کار عداوت با یهودیان را برای حاکمان آسانتر کرد.

دلیل مهم دیگر تشدید ضد یهودیگری در ایندوران جنگ و نفاق خونخواهانه بین شیعیان و سنیان بود که شاید نفوذ بیگانگان در ایجاد آن بی اثر نبود. بدین معنی که ترکان عثمانی که سنی بودند و امپراطوری قدرتمندی را بپا ساخته بودند چون خاری در چشم ممالک استعمارگر و تازه نفس مسیحی اروپا فرو می‌رفتند. این امپراطوری اسلامی بهر نحو شده می‌بایست با یاری آنان از پای در می‌آمد. لازم بود تا آتشی علیه سنی‌های عثمانی برافروخته شود. این آتش در ایران فروزان گردید. شاه اسماعیل که جدش شیخ صفی‌الدین از پیشوایان شیعه در شهر اردبیل بود مذهب رسمی ایران را شیعه اثنی عشر اعلام کرد و از آن پس دشمنی میان شیعه و سنی در داخل خود ایران رو به افزونی گذارد و در این برخوردها پای یهودیان بمیان کشیده شد و ستیزه گری با آنان تشدید گردید (اصل ۴).

نفوذ مسیحیان از یکسو و برخورد شدید شیعیان و سنیان از سوی دیگر که هر دو مستقیماً مربوط به

دو اصل مهم از پنج اصل مورد بحث ما میشود ضد یهودیگری را در این دوران بسیار افزایش داد. تهمت ها و افتراهای گذشته زنده شد و تهمت ها و افتراهای تازه دیگری که ره آورد مسیحیان اروپائی بود بدانها افزوده گردید. بزودی حکومت ایران، بیشتر با کمک رهبران مذهبی دشمنی با یهودیان را گسترش بیشتر داد (اصل ۵) تبلیغات شوم علیه یهودیان همراه با تبلیغات زهرآگین علیه مردم مسلمان سنی مذهب به اوج خود رسید. ایران، به تحریک ممالک استعمارگر مسیحی با ترکان عثمانی سنی مذهب سر جنگ پیدا کرد و در داخل سخت در تلاش بود تا مذهب شیعه را جایگزین مذهب سنی کند. تب تبلیغ مذهبی آتشین شده بود و یهودیان در این آتش میسوختند. یهودی را نه با ترکان سروکار بود و نه از برتری شیعیان بر سنیان بهره ای می جست. اما چون جهنم جنگ و نفاق در درون و برون شعله ور بود او هم قربانی میشد. درست مثل آنچه در حملات عربها و مغولها روی داد و ایرانی چه مسلمان و چه زرتشتی و چه یهودی یکجا سوختند.

ضد یهودیگری وحشیانه در دوران صفویان، مثل هر رویداد ضد یهودیگرانه دیگر تاریخ، نشان دهنده آنستکه آنچه را ما در فصول پیشین بعنوان بهانه ها آوردیم دلایل واقعی دشمنی با یهودیان نمیتواند بود و جمع چند عامل و علت کلی و عمومی دیگرست که دشمنی با یهودیان را پدید می آورد؛ عوامل و عللی که ما آنها را زیر اصول پنجگانه آورده ایم و به اشاره مکرر به آنها تاکید می ورزیم، جالب است بیاد بیاوریم که در همین زمان سلطان عثمانی بعنوان تلافی بر ستمگریهای شاهان صفوی نسبت به سنی ها به جان شیعیان قلمرو خود افتاد و دهها هزار تن از آنها را بیرحمانه بقتل رساند (اصل ۲) و سرانجام بین ایران و عثمانی جنگ در گرفت و باز در همین ایام یهودیان امپراطوری عثمانی که چند کشور امروزم را زیر پوشش داشت دچار نابسامانها و زجر و کشتارهای بیشمار شدند (اصل ۴) و پاره ای از محدودیت ها و تحقیرها مثل کلاه خاص و وصله جهودی در نسلهای بعد نیز بجای ماند. صدمات ناشی از جنگ بین سنیان

و شیعیان، نفوذ ممالک مسیحی اروپائی در ایران و دشمنی دیرینه آنانرا با یهودیان این کشور تحت الشعاع قرار داد و رنگت بسیار تند تازه ای به ضد یهودیگری در ایران داد. زجر و کشتار یهودیان، حمله به خانه ها و محل کسب آنان به بهانه های بی اساس، تبعید آنان از شهر و دیاری که نسلها در آن زیسته بودند بجایهای پرت دور افتاده، محدود کردن آنها در مشاغل، زور و تهدید برای مسلمان کردن آنها و گذراندن قوانین تازه ظالمانه از جمله آنکه هر یهودی که اسلام آورد وارث تمامی دار و ندار خویشان خود خواهد بود، در این دوران رواج گسترده ای یافت.

در زمان صفویان حوادثی برای یهودیان روی میدهد که یادآور صحنه های حملات رومیها به خاک اجدادی آنها و کشتارهای وحشیانه آنانست. یکی از این حوادث تلخ تکه پاره شدن چند تن از روحانیان اصفهان بوسیله سگهای درنده در میدان شاه اصفهان بفرمان شاه عباس است. روشن استکه اینگونه ستمگریها تنها محدود به یهودیان اصفهان نمیشد و همه یهودیان ایران در همدان و کاشان و لار و شیراز و قم و تبریز و رضائیه و قزوین و گلپایگان و دماوند و دیگر شهرهای یهودی نشین، در بدترین شرایط صبح را به شب و شب را به صبح میرساندند و با زور و فشار و تهدیدهای بسیار جدی مرگبار که به گردن زدن و خفه کردن و کشتن بیرحمانه زجرآور می انجامید مجبور میشدند مسلمان شوند. در تمام این ماجراها حکومت وقت نقش رهبری را داشت (اصل ۵) و نه تنها مانع یهودی آزاری نمیشد بلکه آنها شدیداً تقویت میکرد و از طریق ایادی خود می خواست تا با وعظ و خطابه عامیان و مردم کوچه بازار را وادارند تا بهر شکل شده یهودیان را به مذهب شیعه اثنی عشر در آورند.

بر اثر این مظالم جانفرسا که بعد از دوره صفویان، جز دوره ای کوتاه در زمان نادرشاه سنی مذهب همچنان ادامه یافت جامعه یهودیان ایران روز بروز بیشتر تحلیل رفت و ضعف و ناتوانی و محدودیتهای زندگی او که حتی اجازه نداشت اغذیه سالم تازه بخرد از او موجودی بوجود آورد که بنام «جهود تو سری خور» شناخته شد و این موجود در

دوران قاجاریان که سرشار از فسق و فجور و بی‌عدالتی ناشی از سیستم ملوک الطوائفی بود محکوم به زندگی پرادبارتری گردید.

در دوره قاجار مذهب‌یون نقشگران سیاست بودند و شاهان بدون اجازه و صلاح‌دید آنها هیچگونه تصمیمی نمی‌گرفتند. حتی در این فرمانبری و عبودیت تا پای خرافات مطلق پیش می‌رفتند. دوره قاجار دوره افول و سقوط ایرانست. استبداد بمعنای تمام آن بیداد میکند و هر حاکم و ملا و دهخدائی برای خودش فرمانروائی است که می‌تواند آدم بکشد و اموال این و آن را غصب کند. شاهان قاجار در شهوت رانی و خوشگذرانی و شکار و مفت خواری و در عین حال ظلم و سنگدلی نسبت به اتباع خود از یکدیگر سبقت می‌جستند. و در چنین حال و احوالی وضع یهودیان بیگناه «خسته زجر کشیده» رنجور پیدا بود.

باز جنگها و برخوردهای گروهی است که در این زمان آتش ضدیهودیکری را دامن میزند. آغا محمد خان، سر سلسله قاجار که مردی و مردانگی خود را از دست داده در جستجوی انتقام و خونریزی و وحشیگریست. نبرد گرجستان در زمان او موجب از دست رفتن پاره ای از ایران میشود و در همین ایام که جنگ ایران و روس مطرح است و سرانجام به شکست ایران می‌انجامد حمله به اقلیت یهودی باب روز میشود. یهودیان دماوند و گیلان تارومار میشوند (اصل ۲) و عده ای از آنها به تهران پایتخت تازه کوچ می‌کنند. تعداد یهودیان ایران روز بروز رو به کاهش میرود. مجبور ساختن آنان به مسلمان شدن شدیدتر می‌گردد. در تمامی دوره قاجار، در میان اقلیت های مذهبی ایران، اقلیت یهودی در مورد زجر و شکنجه و آزار انگشت نما میشود و در سراسر این دوره است که اصل ۲ از اصول پنجگانه چیرگی خاص خود را بیشتر نشان میدهد. ملایان که عملاً حکومت را در دست دارند و اعمال شاهان با تصویب و موافقت آنها و یا بدستور مستقیم آنان انجام می‌پذیرد به نسبتی بسیار کمتر مزاحم اقلیت ارمنی و زردشتی و آسوری میشوند. فشار چندانی در کار نیست تا اینان را بزور مسلمان کنند چه آنکه دین گروه یهودی به دین گروه مسلمان

نزدیکتر است تا ادیان دیگر گروهها.

تفاوت عمده شاهان قاجار با شاهان صفوی در آنست که قاجارها یا بخاطر عدم جرأت از پیشوایان مذهبی و یا از اینرو که خود اختیار همه چیز را در دست آنها قرار داده اند، ظاهراً خود در اینگونه امور دخالت مستقیم ندارند. و کسانی که عملاً تاروپود دولت و مملکت را بر سر پنجه های خویش دارند یهودیان را هر روز بیشتر در فشار می گذرانند. دزدیدن دختران جوان یهودی و تجاوز به آنها، چپاول اموال یهودیان، اهانت به آنان و نادیده گرفتن پیش پا افتاده ترین حقوق آنها در تهران و همه شهرستانها رواج عام میگیرد و هیچ دادرسی پیدا نمیشود به داد قومی برسد که نام پیامبر آنها بعنوان نخستین منادی خداپرستی دهها بار در کتاب مقدس مسلمانان آمده است - هیچ یهودی را یارای آن نیست که از یک رهبر مذهبی ایران دادخواهی کند و فریاد اعتراض برآورد. صداها همه در سینه خفه میشود و این خصوصیت حتی در زمانهای بعد که یهودی ایرانی آزادی نسبی پیدا میکند از خصوصیات او میشود. شاهان ننگ آفرین قاجار حتی برای آنکه «کلکسیون» حرم خود را کامل کرده باشند زیباترین دختران یهودی را بدست ایادی خود اسیر و به حرمسرا می کشانند. فشار بر یهودیان در ایندوره به آن حد است که حتی پاره ای از کسانی که دستشان بدهنشان میرسد و قادر به پرداخت رشوه و جریمه و جزیه اضافی به ماموران دولتی هستند برای نجات جان خود بدنبال تهدید و ارباب مجبور میشوند دین اسلام را بپذیرند که نوادگان بعضی از آنها بعداً به شهرت میرسند.

قصه تلخ خون و فطیر که در سایه تبلیغات شوم مسیحیان دوره صفویه به ایران راه یافت در دوره قاجاریان بسیار شیوع پیدا می کند و بدنبال هر شایعه مبنی بر اینکه «جهودها بچه مسلمانی را کشته اند تا خونس را در فطیر بریزند» قتل عام یهودیان با فجیع ترین شکل انجام میگیرد و در مشهد و تبریز و رضائیه و تهران و تبریز و شهرهای دیگر موجب کشتار دسته جمعی یهودیان میشود. ضعف اقلیت یهودی در برابر اکثریت مسلمان، از هر جهت و بهر شکل که

بشود تصور کرد، چنانستکه هیچ روزنه امیدی برای نجات یهودیان نمیگذارند (اصل ۳).

جنگهای ایران با روس که به نتایج مفتضحانه ای میرسد و قراردادهای نکبت باری را برای ایران بار می آورد محیط را برای رشد نفرت و دشمنی پرورش میدهد و در این میان، یهودیان که بر اثر حملات چند قرن گذشته تا آلمان، بکلی خرد و شکسته و ناتوان شده اند بیش از همه قربانیان این محیط مسموم میشوند (اصل ۴). متأسفانه یهودیان نه تنها از داشتن یک رهبر هر اندازه محافظه کار و دست به عصا محروم میمانند بلکه گاه از زور عسرت و درماندگی با ایجاد گروههایی بین خود در برابر هم می ایستند (اصل ۱) و بهانه بدست بدخواهان سیاه فکر میدهند.

ضعف و درماندگی قوم یهود در اواخر دوره قاجار وسیله مناسبی بدست قلدران و عامیان برای جوابگویی غریزه انهدام و انتقامجویی آنان میداد. کار بجائی رسیده بود که مثلاً در شهر بابل به بهانه اینکه یک «جهود» به تغار ماست یک بقال مسلمان انگشت زده به فرمان ملای شهر بر یهودیان شوریدند و ده ها تن از آنانرا در یک روز زیر شکنجه های حیوانی از جمله داغ کردن و سوزاندن بکشتن دادند. بستن آب بروی یهودیان و منع فروش نان به آنان از دردناکترین اعمال ضد یهودیگرانه در زمانی است که قدرت ملایان قیامت میکرد. وضع قوم یهود در این زمان نشانگر آنستکه هر چه قوم ناتوان تر و آسیب پذیرتر میشد بر او زور و ظلم افزونتری میرفت (اصل ۳).

یهودیان ایران، چون یهودیان دیگر ممالک نه تنها نتوانستند با دعوت دیگران به یهودیت شماره همکیشان خود را افزایش دهند و با بدست گرفتن قدرتی بیشتر، از ستمگری و اجحاف بر خود بکاهند بلکه در طول زمان یا از طریق قتل عامها و کشتن های فردی و یا بوسیله گرویدن اجباری به دیگر ادیان تعدادشان مرتب رو بکاهش رفت و این کاهش در دوره صفویه و قاجاریه بقدری شدید بود که در سیر نزولی سریع آن کمتر می توان شک کرد. اگر نه بخاطر کشتارها و تغییر مذهبهای اجباری یهودیان نبود، شماره ایرانیان یهودی در عصر ما دست کم از مرز یک میلیون

می گذشت. گفتنی است که در سالیان آخر دوران خفقان آور قاجار، نه فقط مسلمانان هزار چند گاه به بهانه ای بر یهودیان می شوریدند و آنانرا اجباراً به اسلام می خواندند بلکه مبلغان مسیحی و بهائی هم که برای تبلیغ مذهبی وضع را در میان یهودیان بسیار مناسب میدیدند با وعده و وعید و طرق خاص خود بسیاری از یهودیان بستوه آمده را از دین خود بر می گرداندند که این خود موجب تحلیل رفتن بیشتر قوم، ضعف شدیدتر آن و شکنندگی رو به تزاید آن در برابر مظالم اجتماعی بود. در آسمان سیاه و ظلمانی اواخر این زمان بناگاه ستاره ای برای یهودیان ناامید ایران سوسو زد: آلیانس!

\*\*\*

انقلاب مشروطیت و حضور نمایندگان اقلیت های مذهبی در مجلس شورایی ملی به یهودیان زخم خورده و از پای افتاده نویدی تازه داد و بعد با روی کار آمدن رضاشاه و تفوق بی گفتگوی نظامیان بر مذهبیون یهودیان ایران احساس آرامش بسیار کردند. با اینهمه دشمنی «گروه اکثریت» با «گروه اقلیت» بکلی از میان نرفت. ذکر کلمه کلیمی در برابر نام خانوادگی شناسنامه های یهودیان، عدم اجازه به آنها در اشتغال به مشاغل دولتی و شرم آورتر از همه اعدام نماینده دلیر و اندیشمند آنها، مستر حیثم، که علی رغم مصونیت پارلمانی بدون محاکمه انجام گرفت نشانه آنستکه عداوت با یهودیان حتی در زمانی که بسیاری از یهودیان آنرا دوره راحتی و آسایش می نامند وجود داشت. پیداست که این دشمنی وقتی محیط حال و هوای مساعدتری پیدا کند، مثل آنچه در زمان صفویان و قاجاریان بود، چشمگیرتر میشود. همانگونه که در آغاز کلام گفته ایم در عصر ما در بسیاری از ممالک از جمله ایران، ضد یهودیگری جایش را به ضد صهیونیسم داده است اما کیست که نداند بنام دشمنی با اسرائیل لبه تیز عداوت متوجه خود یهودیان میشود. ترجمه کتاب «خون برای فطیر مقدس» بزبان فارسی در سالهای اخیر که پشت جلد و مقدمه کوتاه ناشر آنرا عیناً در این فصل چاپ کرده ایم خود گویای بسیار حرفه‌است و نیازی به افزودن گفتاری دیگر بدان نیست.

## دکتر فرهاد فرزاد

جراح و متخصص بیماریهای چشم عضو آکادمی چشم پزشکان آمریکا

**(310) 247-1010**

9033 Wilshire Blvd., Suite 403  
Beverly Hills, CA 90211

جراحی با لیزر

کنتاکت لنز

## All Pro-Video Photo

# فوتو.میا

با کادری ورزیده و وسایل مدرن خود با عکسبرداری و فیلمبرداری (ویدئو) از مجالس و جشن های خانوادگی شما، خاطرات شما را جاودانه خواهند ساخت

- عکسبرداری و فیلمبرداری (ویدئو) از جشن ها و کنسرت ها (بایک، دو یا سه دوربین)
- تهیه عکس های خانوادگی و کودکان
- تبدیل فیلم های ۸ میلیمتری (8 mm) اسلاید و عکس به ویدئو و تمام سیستم های دیگر جهان.

1516 Westwood Blvd.

**(310) 475-2144**

## آلبرت طیبیان

جراح و متخصص بیماریهای زنان و زایمان

## دکتر پرویز پیرنظر

از آمریکا

عضو کادر پزشکان بیمارستان های

Cedar Sinai, Saint John's, Santa Monica

Westwood Medical Plaza

10921 Wilshire Blvd., Suite 806  
Los Angeles, CA 90024

**(310) 824-0049**

پذیرانی ماتبیین وقت قبلی

۱۰۹۲۱ ویلشر بلوار - نش خیابان وست وود

ساختمان وست وود، مدیکال بلازا - طبقه ۱۱ - سوئیت ۸۰۶

**(۳۱۰) ۸۴۴ - ۰۰۴۹**

active regional politics aimed at achieving hegemony in the Persian Gulf, greater influence in Central Asia, certainly in the Middle East, and leadership of the Muslim world. While its main focus used to be East and West ("Neither the East nor the West"), it is now focussing on the North-East (from former Soviet republics and India, China and Japan) and the South-West (the Persian Gulf). Yet, its doctrine and ambitions "oblige" it to demonstrate "revolutionary presence" throughout the world. The fall of the USSR, Hamshahri wrote, ushered in "the second phase" of Iranian foreign policy after the revolution. But what was the Iranian policy in this new phase?

The combined impact of such developments did not generate a clear-unequivocal policy. Iranian policy was characterized by dualism and contradictions. It combined pragmatism, motivated by national interests; and radicalism, motivated by the revolutionary ideology. It continued to be two-sided, complex and fluid. Outsiders have difficulty sorting out Iranian priorities, it seems, because Iranians themselves have the same problem. Aware of this, Jahane Islam recently wrote: "Our regional policy has been plunged into ambiguity and it is impossible to portray a clear picture of it."<sup>(5)</sup> Iran Times suggested that the "world turned upside down" and wondered whether Iran's foreign policy is "about to shift direction dramatically?" Recently it wrote, Iran has "appeared to signal several dramatic policy changes."<sup>(6)</sup> A possible answer was supplied by the same paper: "Iran is now sending mixed signals about its policy, perhaps wanting to be all things to all people... [It] wants to appear radical and revolutionary to the Islamic radicals and ... moderate and reasonable to European and Asian countries whose trade and investment

it seeks."<sup>(7)</sup>

The irresolute policy has recently come under fire from different quarters. Some questioned the advisability of pursuing a strict revolutionary path; others, to the contrary, blamed the government for abandoning the genuine revolutionary doctrine. Both, however, censured the government for failing to comprehend the revolutionary nature of regional changes and to grasp the opportunity to better serve Iranian-revolutionary interests.

The formers argued that although four years have elapsed since the fall of the USSR Iran's "foreign strategy has not yet adopted... [to] conform with the new conditions and answer the [new] needs." Instead, only "hasty steps were taken," aimed at "rapid attraction" of some local elements, but its policy only provoked its rivals to enter the scene and accomplish their own goals.<sup>(8)</sup> The latter argued similarly that the main problems was the "absence of a correct analysis" of the "regional situation," but they called for more active policy and proposed that Iran should "act from our powerful and righteous stance."<sup>(9)</sup> In this way, foreign policy became enmeshed in Iranian domestic politics.

#### Notes:

1. Islamic Republic News Agency (IRNA), 23 August -- Daily report, Middle East and Africa (Washington: DR), 24 August 1992.
2. R. Tehran, 18 September -- DR, 20 September 1992.
3. Shireen T. Hunter, "The Emergence of Soviet Muslims: Impact on the Middle East," *Middle East Insight* (May/June 1992), 32.
4. See an editorial in new Tehran paper Hamshahri, 9 February -- DR, 23 February 1993.
5. Jahane Islam, 2 June: DR, 16 June 1993.
6. International Iran Times (IT), 1 October 1993.
7. Hamshahri, 9 February -- DR, 23 February 1993.
8. See, for example, an editorial "Foreign Policy Need Reform," advocating greater activism: Jahane Islam, 2 June -- DR 16 June 1993.

transfer; to establish firm ties with the leaders of the republics (none of them could be viewed truly Islamic, according to their doctrine); to prevent influence of unfriendly countries; to export its revolution; and manifest regional-Islamic leadership.

The 1991 was in the Persian Gulf weakened Iraq and deepened antagonism among its Arab neighbors, thus rekindling old Iranian ambitions to become the leading power in the Gulf. Iran's assertive approach in the Gulf, its massive arms purchase and more aggressive rhetoric were manifestations of this aim. This was not a new ambition of Iran, but now, Tehran believed, circumstances were ripe for the realization of the aim. Since it is not clear for how long the realities would remain, it was important to establish a fait accompli before conditions again transform. The "seizure" of Abu Musa is one manifestation of such an Iranian attempt.

The Arab-Israeli peace process and Syria's participation in it, left Tehran the sole leader of the Islamic, anti-Israeli camp. It remained the only rejectionist state in the Arab-Israeli conflict. Having made the struggle for Palestine a major issue on its agenda, Tehran was now willing -- and committed -- to offer its leadership to this camp. This provided an avenue to demonstrate Islamic leadership, but also contained challenges. With Syria negotiating with Israel, Tehran needed new allies and bases for influence. Also, a possible Israeli-Syrian agreement would probably limit Iran's control in south Lebanon, and possibly lead to a conflict of interests with Syria (though not necessarily a break of their alignment). Strengthening ties with other radical movements (such as Hamas, in addition to the Islamic Jihad and Hizbollah) was essential in

any case -- especially as the peace process moved forward.

This became even more evident following the breakthrough in the Israeli-Palestinian talks in September 1993. Iran became even more isolated. To demonstrate Islamic leadership it was expected to provide more active support, which would lead to tension with its neighbors and prove costly. A possible clash between Hamas and the PLO, or between the Hizbollah and the Lebanese forces, may similarly call for greater Iranian involvement. Yet, there seems to be one "benefit": Iran could more easily claim leadership of anti-peace camp.

The growing Islamic fundamentalism similarly call for Iranian patronage, support and leadership. Of its self-view as the epicenter of Islamic revolution Iran had committed itself to guide, encourage and support them. This has also opened new opportunities to strengthen its influence in the region, to export its revolution and could advance its aspirations for Islamic leadership. In fact, Tehran regards their success a tribute to its own revolution, a manifestation of the spread of its ideology and influence, a token of Iran's dominance in the Muslim World, and source of optimism and self-confidence in the fact of domestic difficulties. Relations with Islamists movements were in fact strengthened recently. Yet the governments struggling against them often found themselves fitted against Iran too; Egypt is a major case point.

These new realities have changed the geostrategic conditions in the region and confronted Iran with opportunities but also with serious challenges. They joined to redefine Iran's interests and politics. They encouraged more

implementing Islam as a vehicle to advance the people and state.

All in all, the revolutionary rule testify to an ever widening general trend towards pragmatism interrupted by occasional outbursts of radicalism. Although

personalities, issues and domestic alignments have changed, general patterns have persisted. Yet, the current policy exhibits contradictory impulses. Alongside pragmatism in some areas, there are manifestations of radical approach in others. One reason for the appearance of such contradictions is, perhaps, the difficulty in assimilating the many changes that have buffeted Iran and the region in the last years. Such changes have joined to create new realities for Iran. They contained opportunities but also embraced serious dilemmas and challenges. This article attempts, and predicaments and explore Iran's actual policy in response to them.

What were the main regional changes and how they influenced Iranian policies?

First, the disintegration of the USSR and the creation of six independent Islamic republics to its north. In fact, the fall of the USSR reduced the traditional Russian threat and provided new prospects to expand its influence and advance its ideological, economic, cultural and strategic interests. Iran views the post cold war era a challenge for the Muslim World, the Third World, or the South, to fill in the vacuum that has been left and sees itself the leading element in a new power likely to fill this vacuum. Khamene'i suggested that following the fall of the USSR, the West would fall too. "In the confrontation between Islam and global arrogance," he said, the West too "will be brought down to its knees."<sup>(1)</sup> Rafsanjani calculated that one pillar of the world power "has

been defeated" with the US now willing to insure its "absolute dominance."<sup>(2)</sup> Their different interpretations notwithstanding, their conclusion was similar: Iran should lead the Muslim, Non-Aligned, or the South, filling thus the vacuum left.

The collapse of the USSR had similarly led to the fall of the "Islamic iron curtain,"<sup>(3)</sup> providing Iran new prospects to expand its influence and advance its -- Islamic, economic, cultural and strategic -- aspirations. Tehran was fully comprehensive of the revolutionary nature of the change, and aware of its possibilities and challenges. The joining of some 60 million people to this new Middle East has similarly changed its ethnic character -- the non-Arab element has become much more prominent -- a point often stressed by Tehran. Yet, its attempt to spread its doctrine in Central Asia and the Caucasus was confronted by other interested parties, determined to prevent the spread of Iranian influence. Moreover, the changes there contained a potential for instability and the strengthening of influence of unfriendly powers there; and possibly, to influence Iranian ethnic-border regions.

As it tried to formulate policy, the basic dilemma of its foreign policy became discernable: the tension between the interests of the State and the ideology of the Revolution. As in most other areas, whenever there was a clash between the two, the former emerged supreme but the latter retained its influence, as well. In fact Iran demonstrated a calculated pragmatic national attitude: it was careful not to jeopardize friendly relations with Russia, the continued arms supply and the growing economic ties; it also wished to maintain stability on its north and control population



## IRAN: DOMESTIC DETERMINANTS OF REGIONAL POLITICS

### REGIONAL CHANGES AND THEIR IMPLICATIONS FOR IRAN'S POLITICS

By: David Menashri



#### **David Menashri**

Prof. Menashri (Ph. D. Tel Aviv University) is a Senior Research Fellow at the Center and Associate Professor in the Department of Middle Eastern and African History. He has been a Fulbright Scholar at Princeton University and visiting professor at Cornell University and the University of Chicago. He is the author of: *Iran in Revolution* (1988, in Hebrew); *Iran: A Decade of War and Revolution* (Holmes and Meier, 1990); *Education and the Making of Modern Iran* (Cornell U.P., 1992) and editor of *The Iranian Revolution and the Muslim World* (Westview, 1990).

The revolution in Iran has led to the formation of the first Islamic Republic in the modern Middle East. For the revolutionary leaders, "Islamic Revolution" was not just a title to a movement, nor did it contain a message for Iraq alone: it was an ideal they wished to put into practice -- with Iran as the starting point for an overall Islamic Revolution, aiming to return the Muslim world to the glorious days of early Islam. Within it was encapsulated the desire to solve the mounting social, economic, political and other problems facing the people, to create an ideal Islamic order, and turn Iran into a model for imitation for all Islamic communities:

**Revolution** in all spheres of life, leading to full implementation of Islamic law in spirit and letter; Islamic in its orientation.

In their first fifteen years in power, the clerics in power concentrated on two inter-related targets: the consolidation, institutionalization, and perpetuation of their rule; and implementation of their ideology, which would advance the country and, in turn, further promote legitimization and stability. Eventually, the seizure of power and tightening clerical grips on command proved much easier task than accomplishing their main aim:



# Merrill Lynch

معاون ارشد امور مالی : **سام امیر ابراهیمی**  
VICE PRESIDENT

با بیش از هفتاد سال سابقه در امور سرمایه گذاری  
و بیش از ۴۴۰ میلیارد دلار سرمایه تحت مدیریت

**(800) 456-8790**

**(310) 858-4785**

FAX: (310) 282-8256

**2121 Avenue of the Stars, # 1600, Los Angeles, CA 90067**

اعتماد به شرکت **Merrill Lynch** یک سنت دیرینه آمریکائی است

**K. BANAYAN & ASSOCIATES**  
ATTORNEYS AT LAW



دفتر حقوقی

**کورش بنایان**

وکیل رسمی دادگستری آمریکا

دکترای حقوق از آمریکا

فوق تخصص حقوق بین المللی از انگلستان

امور ملکی ، تجاری ( تاسیس شرکت ها ، تهیه و تنظیم  
اساسنامه و قراردادها ) ، دعاوی داخلی و بین المللی

**تصادفات و صدمات بدنی**

**(310) 785-0800**

1801 Century Park East, Suite 1460, Los Angeles, CA. 90067

Facsimile (310) 785-3908

Design: Saeed Bladat

ADDRESS CORRECTION REQUESTED

**S H O F A R**  
IRANIAN JEWISH FEDERATION  
6505 Wilshire Blvd, Suite 811  
Los Angeles, California 90048

Non-Profit Org.  
U.S. Postage  
**PAID**  
Beverly Hills, CA  
Permit No. 236